

ائتلاف نیروهای چپ و میانه
در انتخابات ایتالیا
به پیروزی رسید
صفحه ۱۲

خامنه‌ای: لیبرال‌ها را از مجلس بیرون می‌اندازیم

- هیچکدام از جناحها در مجلس پنجم اکثریت مطلق را بدست نیاوردند
- در نهاوند ۶ نفر کشته و ۱۲ نفر زخمی شدند
- حزب الهی‌ها شهردار تهران را پاره‌پاره از حسینیه نازی آباد فراری دادند

مرحله دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی در محیطی پر کشمکش برگزار شد. نزاع جناحهای رقیب در برخی از استانها و شهرستانها به اعتراضات عمومی بدل گردید و به درگیری انجامید. گفته می‌شود در این درگیری‌ها چندین تن کشته، دهها نفر زخمی و بازداشت شدند.

در نهبوند در درگیری میان طرفداران دو تن از نامزدهای نمایندگی مجلس پنجم که در پی پیروزی یکی از کاندیداها روی داد، ۶ تن کشته شدند و ۱۲ نفر به شدت مجروح گردیدند. این درگیری در میدان اصلی شهر و به دنبال مشاجره لفظی میان طرفداران جناحهای رقیب رخ داد. در این درگیری ۱۰ نفر بازداشت شدند.

در اصفهان عده‌ای به مساجد، مراکز علوم دینی و ساختمانهای دولتی حمله کردند و خسارات سنگینی به بار آوردند. آیت‌الله طاهری امام جمعه اصفهان در خطبه‌های نماز جمعه خبر خودداری کند. قبل از طرح این بقیه در صفحه ۲

کمیسیون حقوق بشر رژیم اسلامی را بار دیگر محکوم کرد

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در روز ۲۴ آوریل (۵ اردیبهشت ماه) بار دیگر رژیم اسلامی را بخاطر نقض حقوق بشر محکوم کرد. در قطعنامه، رژیم حاکم بخاطر ادامه خشونت علیه ایرانیان بیرون مرزی، اعدامها و نقض حقوق زنان و اقلیت‌های مذهبی محکوم شده است. همچنین در قطعنامه حکومت اسلامی بخاطر فتوای مرگ سلمان رشدی به شدت تقبیح شده است. این قطعنامه به پیشنهاد جامعه اروپا با پشتیبانی آمریکا با ۲۴ رای موافق در برابر ۷ رای مخالف و ۲۰ رای مستنبح به تصویب رسید. در این قطعنامه اقدامات خشونت‌آمیز بر علیه ایرانیان خارج از کشور به شدت تقبیح شده و از دولت جمهوری اسلامی خواسته شده تا از دخالت در امور ایرانیان مخالف رژیم در خارج از کشور خودداری کند. قبل از طرح این بقیه در صفحه ۲

اول ماه مه روز جهانی کارگران گرامی باد



- پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- همبستگی جهانی، مهمترین پیام اول ماه مه
- تعیین ساعات کار روزانه حاصل چند قرن مبارزه است
- مرگ یک دختر مدددوز
- وضعیت کودکان کارگر در ایران
- ویژه‌نامه اول ماه مه در صفحات ۷ - ۸ - ۹



تهران را از حسینیه بیرون راندند. دست دیگری از انصار حزب‌الله در حالی که عکس‌های خامنه‌ای و خمینی را در دست داشتند برابر ساختمان مرکزی خبرگزاری جمهوری اسلامی اجتماع کردند و به تهدید طرفداران گروه «کارگزاران سازندگی» حجت نازی آباد برهم زدند و شهردار حمله به حوزه‌های آموزش دینی «باقوالعلوم»، «امیرالمؤمنین» و مسجد «شریف واقفی» را تأیید کرد و آن را حادثه‌ای تأسف‌بار خواند. در تهران روز پنجشنبه ۲۹ فروردین انصار حزب‌الله سخنرانی کرباسچی شهردار تهران را در حسینیه حجت نازی آباد برهم زدند و شهردار

گزارش فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به ایران

در ایران مدت معینی برای بودن تا قبل از دادگاهی شدن وجود ندارد. در یک مورد این مسأله تا ۷ سال نیز به طول انجامیده است. حضور وکیل مدافع و حق داشتن وکیل مدافع به روشنی تصریح نشده است. آیت‌الله یزدی عقیده دارد که متهم حق استفاده از وکیل در دادگاه را دارد. در صورتی که آیت‌الله اسلمی ربانی، حضور وکیل را فقط در روز اعلام حکم مجاز می‌داند. عملکرد دادگاههای انقلاب با دادگاههای عادی تفاوت دارد. پارامترهای عمل دادگاههای انقلاب مشخص نیستند. جزای گناهان ذیل در جمهوری اسلامی مرگ هستند. اشاعه فساد، تور و کشتار، بقیه در صفحه ۳

نامه‌ای از طرف سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بوده است. هدف موریس کاپیتورن به شرح زیر بوده است: پس از ۱۷ سال از گذشت انقلاب و ۷ سال از اعلام آتش‌بس، آیا هنوز دادگاههای انقلاب مفهومی برای موجودیت دارند؟ آیا قانون اجرا شده همان قانون تصویب شده است؟ برخورد دولت با مخالفان خود چگونه است؟ زندانیان سیاسی در ایران وجود دارند؟ آیا دولت جمهوری اسلامی آنان را زندانی سیاسی می‌داند؟ سیستم حقوقی جامعه‌ای نشانه‌ای است از شکوفایی تمدن این اجتماع و از نقشی که به حقوق بشر و برای شهروندان خود قایل هستند.

سال ۱۹۸۴ کار خود را شروع کرد. و تا امروز نیز وضعیت حقوق بشر هنوز در دستور کار سازمان ملل قرار دارد. پیش از بازدید کمیسیون جدید از ایران، موریس کاپیتورن با سازمانها و افراد زیر تماس و مکاتبه داشته است: دولت جمهوری اسلامی، افرادی در داخل و خارج از کشور، سازمانهای داخلی و خارج، سازمانهای غیر دولتی، دولت‌ها یا دیگر گروههای پارلمان و اشخاص و گزارش‌های دیگر از طرف سازمان ملل. هدف موریس کاپیتورن، تداوم کار ادوارد گالیندویل بوده و تمرکز این گزارش از ژانویه ۱۹۹۵ تا فوریه ۱۹۹۶ است. قبل از سفر به ایران کمیسیون مخصوص، ۶۵ نامه از سازمانها و افراد دریافت داشته است که از میان آنان

متن زیر چکیده گزارش ۵۰ صفحه‌ای از سفر موریس کاپیتورن به ایران است. این سفر از ۱۰ تا ۱۶ فوریه انجام گرفت و گزارش آن به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تقدیم شد. این گزارش شامل ۳۰ صفحه متن اصلی و ۲۰ صفحه ضمیمه است. گزارش اصلی شامل: مقدمه، سیستم قضایی در ایران، مقام زن، فتوا بر علیه سلمان رشدی، سرنوشت بهائیان، آزادی رسانه‌ها، اطلاعات در مورد زندانیان، دیدار از زندان اوین، ناپدید شدن و مرگ مشکوک، ترویس در خارج از مرز، دموکراسی و سازمانهای حقوق بشر، شرایط پناهندگان و در خاتمه، پایانه است. کار کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در مورد ایران در سال ۱۹۸۲ آغاز شد و با انتخاب نماینده مخصوص در

جنگ لبنان و تحرک دیپلماتیک جمهوری اسلامی

در جریان اقدامات دیپلماتیکی که به توافق برای برقراری آتش‌بس بین حزب‌الله لبنان و اسرائیل انجامید، ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی چند بار در دمشق با مقامات بلندپایه سوریه و رهبران حزب‌الله لبنان دیدار کرد. هنگامی که وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا در خلال اقامت یک هفته‌ای خود در منطقه، بین دمشق و بیت‌المقدس در رفت و آمد بود تا بین طرفین میانجیگری کند. ولایتی نیز در سوریه به سر می‌برد. آمریکا از طریق سوریه با حزب‌الله در مذاکره بود و سوریه نیز به نوبه خود نه تنها با حزب‌الله لبنان، بلکه با جمهوری اسلامی نیز گفتگو می‌کرد. در مجموع، نام جمهوری اسلامی که همزمان با کنفرانس شرم‌الشیخ مصر، به عنوان حامی تروریسم در رسانه‌های غربی مطرح شده بود، در ارتباط با جنگ لبنان بارها به عنوان یک طرف جدی مذاکرات بر سر زبانها افتاد. کاملاً آشکار بود که رژیم ولایت فقیه، هم تلاش خود را به کار گرفته است تا وانمود کند هیچ مسئله منطقه، بدون دخالت دادن تهران حل نمی‌شود. ولایتی در مصاحبه‌های متعدد، نقش سخنگوی دیپلماتیک حزب‌الله را بر عهده گرفت و مواضع این نیرو را به زبان متداول بین دولت‌ها ترجمه می‌کرد. وزیر خارجه حکومت اسلامی از جمله خواهان «تضمینهای بین‌المللی» برای عدم حمله اسرائیل به اهداف غیرنظامی در لبنان شد. برای اولین بار است که بعد از چندین سال متوالی با حکومت اسلامی به عنوان یک طرف مؤثر در رویدادهای منطقه که از نظر غرب می‌تواند نقش «مثبت» هم ایفا کند، برخورد می‌شود. اینک که جزئیات توافق حاصله برای آتش‌بس اعلام شده است، به نظر می‌رسد آن طرفی که تضمین‌هایی برای خواست‌های خود گرفته است، در وهله نخست اسرائیل است. حزب‌الله متعهد شده است از شهرها و روستاها برای حمله به اهداف نظامی اسرائیلی (یعنی نیروهای ارتش اسرائیل که جنوب لبنان را در اشغال دارند) به عنوان پایگاه استفاده نکند. اسرائیل به این شرط حاضر شده است بپذیرد که به مردم غیرنظامی لبنان حمله نکند، و این تعهد با تعهد متقابلی نیز از سوی حزب‌الله همراه است که دیگر شمال اسرائیل را مورد حمله موشکی قرار ندهد.

از قرآن پیداست که موضوع توافق از نظر ایران و غرب تنها به توافقیهای بالا محدود نبوده است. این امر محتمل است که آینده لبنان و نقش ایران در اقتصاد آن که طرحهای غرب، بویژه فرانسه قرار است دوباره به مرکز مهم مالی - تجاری خاورمیانه تبدیل شود هم جزئی از موضوعاتی باشد که در جریان حضور وزیران خارجه آمریکا، فرانسه، ایران و نیز رهبران سوریه و لبنان مورد تبادل نظر قرار گرفته باشد.

اما اصل توافق، بین آمریکا و اسرائیل از یک سو و سوریه از سوی دیگر صورت گرفته است. شیمون پوز نخست‌وزیر اسرائیل، که ماه آینده انتخابات پارلمانی در پیش دارد، اکنون می‌تواند ادعا کند که با حملات سنگین به لبنان، برای اسرائیل یک گام فراتر از توافق شفاهی سه سال پیش با حزب‌الله برداشته است. در آن هنگام، به دنبال یک رشته حملات سخت متقابل، طرفین توافق کرده بودند به اهداف غیرنظامی حمله نکنند، و هنوز سخن از این نبود که حزب‌الله در جنگ چریکی خود، نباید از پایگاههایی در شهرها و روستاها عمل کند. صرفنظر از اینکه حزب‌الله، به این توافق عمل کند یا نه، زمینه برای بهره‌برداری سیاسی داخلی حزب حاکم اسرائیل آماده شده است. بقیه در صفحه ۲

تصمیم اتحادیه اروپا به ادامه

«دیالوگ انتقادی»

روز سوم اردیبهشت (۲۲ آوریل) وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مورد نحوه تنظیم مناسبات با جمهوری اسلامی، به تبادل نظر و تصمیم‌گیری پرداختند. نشست وزرای خارجه اتحادیه به دنبال ارائه گزارش هیأت تروییکا از نتیجه سفر به تهران تشکیل شد. هیأت تروییکا، از سوی اتحادیه اروپا مأموریت داشت حکومت ایران را وادار در مورد تروریسم و اقدامات تروریستی گروههای حزب‌الله و روند صلح خاور میانه صریحاً موضع بگیرد و به عرف و موازین جاری در روابط بین‌المللی گردن گذارد. از جزئیات گفتگو و قول و

قرارهای پنهانی نمایندگان جمهوری اسلامی با هیأت تروییکا، خبری انتشار نیافت. قبل از آن اعلام شده بود در صورت عدم حصول توافق طی سفر هیأت مزبور، اتحادیه اروپا در روابط سیاسی خود با جمهوری اسلامی تجدید نظر خواهد کرد. در حالی که خبرگزاریها از شکست هیأت تروییکا سخن می‌گفتند، سرپرست هیأت مزبور پس از بازگشت از تهران اعلام کرد، نتیجه این سفر به دنبال نشست وزرای خارجه کشورهای اتحادیه اروپا اعلام خواهد شد. وزیر خارجه آلمان، کلاوس کینکل، نشست وزرای خارجه اتحادیه بقیه در صفحه ۲

اعدام دوزندانی سیاسی در ایران

بر پایه گزارش رسیده روز ۲۲ فروردین دو زندانی سیاسی به نام‌های سلیم صابرنیا و مصطفی قادری در زندان ارومیه اعدام شده‌اند. هر دو این زندانیان در سال ۱۳۶۹ به هنگام تلاش برای خروج از ایران توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شناسایی شده و پس از درگیری با این گزندگان رژیم که منجر به زخمی شدن هر دوشان شده بود، به دست مأموران رژیم افتاده بودند. سلیم صابرنیا ۳۴ سال داشت. او که در منطقه مرگور ارومیه متولد شده بود، از سال ۱۳۵۸ پیشمرگ سازمان پیکار برای آزادی طبقه کارگر و از سال ۱۳۶۰ ابتدا پیشمرگ و سپس بقیه در صفحه ۱۱

کسولگری‌های جمهوری اسلامی متقاضیان ترک تابعیت را آزار می‌دهند

هفته‌نامه «اشپگل» در گزارشی کوتاهی با عنوان «کلوپ نخبگان» در این باره می‌نویسد: خانمی با لباسی شیک که به کسولگری جمهوری اسلامی ایران در هامبورگ وارد گردید، تقاضای بسیار وحشتناکی را در برابر نماینده دولت جمهوری اسلامی قرار داد: ترک تابعیت ایران. بقیه در صفحه ۱۱

یادداشت

ترکیب مجلس آینده

مرحله دوم انتخابات مجلس شورا برگزار گردید. انتخابات این دوره همانند دوره‌های قبلی تنها عرصه رقابت و کشمکش نیروهای وابسته به نظام اسلامی بود. در این دوره جناح حاکم از ابتدا قصد انحصارگرانه کرسیهای مجلس را داشت. اما با زائیده شدن گروه خدمتگزاران و ارائه لیست کاندیداتوری از جانب آن و نیز اعلام لیست کاندیداتوری از جانب ائتلاف خط امام، صحنه انتخابات تغییر یافت و رسالتی‌ها ناگهان با دو رقیب انتخاباتی مواجه شدند و انتخابات با شرکت طیف وسیع تری از نیروهای سیاسی وابسته به نظام اسلامی برگزار گردید.

نتایج انتخابات نشان داد که انحصارگری جناح حاکم در درون نظام اسلامی شکست خورد و این جناح نتوانست مجلس را به انحصار خود درآورد. گرچه هنوز نمی‌توان با قطعیت در مورد ترکیب نمایندگان مجلس آتی به لحاظ وزن هر یک از طیفهای فکری - سیاسی سخن گفت. چرا که بخشی از نمایندگان جزو منفردین بوده و جایگاه آنها هنوز معلوم نیست و احتمالاً بخش مهمی از آنها به گرایش حاکم خواهند پیوست. ولی می‌توان گفت جناح حاکم نسبت به سایر نیروها، کرسیهای بیشتری را تصاحب کرده است. در عین حال دو اقلیت نسبتاً قوی که متعلق به گروه کارگزاران و خط امامی‌ها است، در دور آتی در مجلس تشکیل خواهد شد.

گروه کارگزاران تا قبل از انتخابات اخیر فاقد سیمای معین سیاسی بود و تنها در شخص رفسنجانی و کابینه او تجلی داشت. این جریان بدون اعلام برنامه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تنها با شعارهای کلی، حیات سیاسی خود را اعلام کرد و توانست تعداد زیادی از کاندیداهای خود را راهی مجلس کند. بخش قابل توجهی از رای‌هایی که به نفع گروه کارگزاران ریخته شد، به خاطر برتری از این جریان نبود چرا که این جریان مجری همان برنامه تعدیل اقتصادی است که اقتصاد کشور را فلج کرده و مردم را به فلاکت و فقر بیشتر سوق داده است.

آن رای‌ها در حقیقت جواب «نه» به جناح حاکم است که سرکوب و اختناق شدیدتری را در برنامه خود دارد. بخشی از مردم به «گروه کارگزاران» رای دادند تا جناح حاکم نتواند مجلس را تماماً به قبضه خود درآورد. جناح رسالت که توانست مجلس را به انحصار خود درآورد، بلافاصله بعد از انتخابات مجلس، یورش خود را آغاز نمود. حمله حزب‌اللهی‌ها به شهردار تهران، بستن هفته‌نامه بهمن، تهدید مرحدی ساوچی به عدم تأیید صلاحیت نمایندگان گروه کارگزاران، از جمله آنها است. به نظر می‌رسد جناح رسالت برای انتخاب ناطق نوری به ریاست مجلس در دور آتی و تضمین پیروزی او در انتخابات ریاست جمهوری به تهاجم وسیع روی خواهد آورد. اما در موفقیت این نیرو جای تردید وجود دارد.

جنگ لبنان و تحرک دیپلماتیک جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول
تردید نیست که سوریه، حزب‌الله لبنان را به چنین توافقی وادار کرده است. بعداً معلوم خواهد شد که آمریکا در ازای این خدمت حافظ اسد، چه قولهایی در ارتباط با روند صلح به وی داده است. چنین وعده‌هایی می‌تواند مثلاً در مورد عقب‌نشینی اسرائیل از بلندیهای جولان باشد. هر چند سوریه و نیروهای نظامی‌اش در لبنان، پشت جبهه حزب‌الله محسوب می‌شوند و حزب‌الله، تا کنون هر چه کرده لاقابل با موافقت ضمنی سوریه بوده است، اما رهبری ایدئولوژیک و سیاسی حزب‌الله لبنان در دست جمهوری اسلامی است و سوریه اگر بخواهد رابطه حسنه خود را با حزب‌الله حفظ کند، باید خواست‌های خود را به کمک مقامات تهران و با «زبان خوش» به حزب‌الله حالی کند. در اینجاست که دیپلماسی جمهوری اسلامی به کار سوریه آمده است. جمهوری اسلامی نیز به نوبه خود، از اینکه بلاخره پس از صدتها، در عرصه بین‌المللی کسانتی پیدا شدند که به حکام تهران به عنوان طرفین مذاکره برخورد کردند و نه یاغیان بین‌المللی، خوشحال است. برای اولین بار است که در تمام طول منازعات خاورمیانه هر دو کشور ایران و اسرائیل توافق بدست آمده را یک «موفقیت» دانسته و از آن

کمیسیون حقوق بشر رژیم اسلامی را بار دیگر محکوم کرد

بقیه از صفحه اول
قطعنامه در کمیسیون حقوق بشر، جامعه اروپا با جمهوری اسلامی وارد مذاکره شده و خواسته بود تا با لغو فتوای کشتن سلمان رشدی و تعهد در عدم مداخله در کار نیروهای مخالف

خامنه‌ای: لیبرال‌ها از مجلس بیرون می‌اندازیم

اسلامشهر - که میان ۵/۵ تا ۶ میلیون نفر در نوسان است، نشان می‌دهد کم‌تر از ۲۵ درصد مردم در انتخابات شرکت کرده‌اند. در تهران از میان ۵۶ نامزد نمایندگی، ۲۸ نفر به مجلس راه یافتند. در شهرستانها رقابت میان ۱۹۰ نفر برگزار شد و ۹۵ نفر به عنوان نماینده مجلس تعیین شدند.

در پایان انتخابات دو جناح اصلی حکومت اعلام کردند که اکثریت آرا را در تهران و شهرستانها کسب کرده‌اند. یکی از اعضای جمعی از «کارگزاران سازندگی» به خیرگزاری جمهوری اسلامی اظهار داشت از ۹۵ کرسی نمایندگی مجلس در شهرستانها در مرحله دوم، نامزدهای کارگزاران موفق شده‌اند ۵۱ کرسی را کسب کنند. بنا به گفته وی از مجموع ۹۵ کرسی شهرستانها، ۳۵ تن، از افراد مورد تأیید جامعه روحانیت مبارز بودند که نام ۱۰ تن از آنان در فهرست انتخاباتی کارگزاران آمده بود.

با توجه به نتایج آماري انتخابات، جناح رسالت نسبت به جناح گروه ریاست جمهوری آرای بیشتری را به خود اختصاص داده است. جامعه روحانیت مبارز معتقد است از ۲۶۵ کرسی مجلس که تکلیف آنها معین نشده است ۱۲۰ کرسی را در تهران و شهرستانها به دست آورده‌اند و از تهران ۲۳ تن از کاندیداهای آن به مجلس راه یافته‌اند.

۵ کرسی به اقلیت‌های مذهبی اختصاص یافته و ۱۳۱ کرسی میان گروه کارگزاران، ائتلاف خط امام و «منفردها» تقسیم شده است. ۱۴ کرسی از ۲۷۰ کرسی مجلس به حوزه‌هایی اختصاص دارد که آرای آنها از سوی شورای نگهبان باطل شده است. در مجلس چهارم جامعه روحانیت مبارز با ۱۲۰ کرسی اکثریت داشت.

ارزیابی آماري بر آن دلالت دارد که هیچ یک از جناحها اکثریت مطلق را کسب نکرده‌اند. در حالی که روز جمعه ۳۱ فروردین انتخابات مرحله دوم مجلس پنجم در جریان بود، کار بررسی نتایج انتخابات مرحله اول ادامه داشت. شورای نگهبان در مرحله اول انتخابات آرای شهرهای اصفهان، سائین، نجف‌آباد، میاندوآب، خمین، آستارا، برخوار، میمه، ملایر، تفرش و آشتیان را به نفع جامعه روحانیت مبارز باطل کرد. در این مناطق به نفع کاندیداهای جناح رسالت رای کمی به صندوقها ریخته شده بود.

شورای نگهبان در شهرهای سیرجان، زنجان، میبد، اردکان و ساوه با ابطال آرای برخی صندوقها به جایگزینی افراد دلخواه پرداخت.

جمعی توانستند از حسن ظن یا غفلتی استفاده کنند و خودشان را به محیط مجلس بیندازند. دیگر مصونیت پیدا خواهند کرد، خیر این ملت آگاه و هوشیار و خون داده و رنج کشیده، اگر دیدند یک عنصر وابسته در مجلس است، دست دراز می‌کنند و او را از مجلس در می‌آورند و بیرون می‌اندازند.

کناره‌گیری ۴ تن از کاندیداهای گروه ریاست جمهوری

تحت فشار جناح رسالت، چهارتن از کاندیداهای سرشناس گروه کارگزاران که عضو جامعه روحانیت مبارز هم هستند، خواستار حذف اسمی خود از فهرست انتخاباتی گروه «کارگزاران» شدند. اعلام انصراف این چهار تن زمانی صورت گرفت که فرصت تبلیغات انتخاباتی به پایان رسیده بود و حذف اسمی آنان از تراکتها و پلاکاردهای تبلیغاتی گروه کارگزاران ناممکن بود.

آیت‌الله موحدی کرمانی، حجت‌الاسلام مجتهد شبستری، علی‌اکبر ابوترابی و مرضیه وحید دستجردی در اطلاعیه کناره‌گیری خود از فهرست انتخاباتی «کارگزاران» نوشتند: «بودن نام ما در لیست کارگزاران به معنای انطباق همه دیدگاهها و مواضع ما با دیدگاهها و مواضع احاد و تک تک آنها و یا رضایت یا هر عملی که در ستادهای انتخاباتی آقایان انجام می‌گیرد نیست. ما در مورد استفاده از اموال دولتی معترضیم و اینکه که در بیانات مقام معظم رهبری هشدارهایی مشاهده می‌شود و رئیس دادگستری تهران هم به تحقق بعضی از تخلفات انتخاباتی تصریح نموده و دوست می‌داریم اعلام نمائیم از ماندن در فهرست کاندیداهای کارگزاران شاکستردیم. امید است مؤمنین با مراجعه به لیست جامعه روحانیت مبارز تهران و رای به آنها به انجام وظیفه شرعی خود مطمئن شوند.»

تبلیغات خامنه‌ای علیه «لیبرالها» و تهدید آنان به تصفیه از درون مجلس در پی آن انصراف ۴ تن از کاندیداهای به شدت خشم گروه کارگزاران را برانگیخت. کناره‌گیری چهارتن و واکنش گروه ریاست جمهوری نشان داد که جامعه روحانیت مبارز برای دست یافتن به اکثریت و به شکست کشاندن رقیب، توافق دیگری را زیر پا گذاشته است. گروه کارگزاران با انتشار بیانیه‌ای از این اقدام به عنوان «حرکت مشکوک» و «عمل از پیش سازمان یافته» یاد کردند. محمد هاشمی

تفصیح کرده‌اند. در حقیقت، کسی که در این ماجرا بیش از همه آسیب دیده، ملت لبنان است. صدها نفر از مردم غیرنظامی بی‌گناه در این کشور، قربانی بمبها، موشکها و گلوله‌های اسرائیلی شدند. نیم میلیون نفر لبنانی آواره گشتند. در مذاکرات هفته گذشته، آنچه که محلی از اعراب نداشت، سرنوشت این مردم بود. در توافق حاصله نیز در عمل، حق مقاومت این مردم در برابر اشغال کشورشان توسط اسرائیل، نفی شده است. بدون اینکه اسرائیل کوچکترین تعهدی مبنی بر خروج نیروهایش از «نوار امنیتی» در جنوب لبنان متقبل شود.

مردم لبنان در نومییدی و خشمی که زیر بمباران اسرائیل بدان دچار شده‌اند، رو به حمایت معنوی از حزب‌الله به مثابه تنها نیرویی آورده‌اند که علیه اشغال بخشی از لبنان توسط اسرائیل اقدام می‌کند، غافل از آنکه میدان مانور رهبری حزب‌الله لبنان، حصار تنگی است که منافع سوریه تعیین می‌کند و از طریق جمهوری اسلامی تفهیم می‌شود. حمایت سوریه و جمهوری اسلامی از حزب‌الله لبنان، به شدت تابع مصالح این دو دولت است که هر وقت مناقشان ایجاب کند، همه حرفهای پرطمطراق در دفاع آتشین از مردم لبنان را یکشنبه فراموش خواهند کرد.

بقیه از صفحه اول
روپا را بسیار «جدی و مسئولانه» خواند. بنابه گفته کینکل، اکثریت وزرای خارجه اتحادیه اروپا مخالف تحریم اقتصادی ایران بودند و هیچ یک از آنان بر قطع دیالوگ با جمهوری اسلامی تأکید نداشتند. کینکل اظهار داشت که روابط با جمهوری اسلامی سرد شده است، برای گرم‌تر شدن آن باید جمهوری اسلامی به اقداماتی دست بزند.

دولت آلمان از مدافعین اصلی حفظ روابط حسنه سیاسی با جمهوری اسلامی و از طراحان سیاست «دیالوگ انتقادی» یا دولت تهران است. واقعیت این است که تاکنون در روابط اتحادیه اروپا با ایران، جنبه انتقادی در دیالوگ‌ها همیشه امر فرعی و تابعی از مناسبات اقتصادی و اوضاع و احوال سیاسی بوده است. سیاست دیالوگ انتقادی بیش از آن که بیانگر اعمال فشار سیاسی بر جمهوری

اسلامی باشد، پوشش و سپر دفاعی دولت‌های کشورهای اروپای غربی به ویژه آلمان در مقابل فشارهای اپوزیسیون چپ و دموکرات در این کشورها بوده است. انتقاد نسبت به سیاست «دیالوگ انتقادی» به دنبال افزایش اقدامات تروریستی حزب‌الله در اسرائیل، ادامه مقابله جمهوری اسلامی با روند صلح در خاورمیانه و روشن‌تر شدن نقش جمهوری اسلامی در ترور مخالفین و رهبران اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور بالا گرفت.

این انتقادها به دنبال سیاست دولت آمریکا دایر بر تشدید فشارهای اقتصادی و سیاسی بر حکومت ایران افزایش یافت. دولت آلمان به مثابه مهمترین شریک تجاری ایران و مهم‌ترین مدافع سیاست دیالوگ انتقادی، بیش از پیش پیشبرد این سیاست را با مانع مواجه دید.

برای جمهوری اسلامی نیز به تدریج فضای مانور بین اروپا و آمریکا محدودتر شد و امکان استفاده از تضاد

انتخاب عبدالله نوری

به ریاست مجلس

با انتخاب علی‌اکبر نوری به عنوان نماینده اول تهران، بار دیگر نام وی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری اسلامی در مطبوعات مطرح شده است. محمد رضا باهنر، غفوری فرد و محمد جواد لاریجانی از اعضای جناح رسالت در گفتگو با مطبوعات اعلام کردند که رئیس آتی مجلس شورای اسلامی ناطق نوری خواهد بود. جواد لاریجانی که از وی به عنوان کاندیدای وزیر امور خارجه این جناح نام برده می‌شود در گفتگو با روزنامه اخبار گفت: اگر ما در انتخابات برنده شویم ناطق نوری مجدداً به ریاست مجلس خواهد رسید و این امر، راه را برای رسیدن او به مقام ریاست جمهوری هموار خواهد کرد. گروه کارگزاران برای جلوگیری از ریاست ناطق نوری بر مجلس، یکی از چهره‌های سرشناس خود را که از حمایت جناح اقلیت - خط امام - برخوردار است به عنوان کاندیدای نوشته روزنامه رسالت گفتگوهای اولیه میان ائتلاف خط امام و «کارگزاران سازندگی» صورت گرفته و توافق شده که عبدالله نوری را به عنوان رئیس مجلس انتخاب کنند. عبدالله نوری در سال ۶۸-۷۲ وزیر کشور و عضو شورای بازنگری قانون اساسی بود.

ترکیب مجلس پنجم

شمارش آرای مرحله دوم انتخابات مجلس پنجم شورای اسلامی روز یکشنبه اول اردیبهشت پایا یافت و نتایج قطعی انتخابات تهران و شهرستانها اعلام شد. بنا به گزارش منابع دولتی، در تهران ۱۳۳۱۴۳۱ نفر در انتخابات شرکت کردند. این رقم در مقایسه با آمار جمعیت واجد شرایط تهران بزرگ - شمیرانات، شهر ری،

تصمیم اتحادیه اروپا به ادامه «دیالوگ انتقادی»

منافع این دو، مشکل ترگشت. در چنین شرایطی تأکید مجدد اتحادیه اروپا بر ادامه سیاست «دیالوگ انتقادی» و عدم اتخاذ تصمیمی صریح و قاطع برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی، از سویی جایگاه مهم و استراتژیک این روش را در سیاست خارجی اتحادیه اروپا و به ویژه آلمان به نمایش می‌گذارد و از سویی دیگر بر انجام توافق‌هایی پنهانی و گردن‌گذاردن جمهوری اسلامی به شرایط معینی در ارتباط با مسائل مربوط به خاورمیانه دلالت دارد.

بدون شک این تصمیمات اتحادیه اروپا بی‌ارتباط با توافق‌های اسرائیل و حزب‌الله لبنان نیست. مذاکرات وارن کریستوفر، وزیر خارجه ایالات متحده در سوریه با حافظ اسد، حضور همزمان وزیر خارجه فرانسه در این کشور و رفت و آمدهای مکرر ولایتی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی به سوریه، نمودهای مذاکرات

اسلامی باشد، پوشش و سپر دفاعی دولت‌های کشورهای اروپای غربی به ویژه آلمان در مقابل فشارهای اپوزیسیون چپ و دموکرات در این کشورها بوده است. انتقاد نسبت به سیاست «دیالوگ انتقادی» به دنبال افزایش اقدامات تروریستی حزب‌الله در اسرائیل، ادامه مقابله جمهوری اسلامی با روند صلح در خاورمیانه و روشن‌تر شدن نقش جمهوری اسلامی در ترور مخالفین و رهبران اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور بالا گرفت.

این انتقادها به دنبال سیاست دولت آمریکا دایر بر تشدید فشارهای اقتصادی و سیاسی بر حکومت ایران افزایش یافت. دولت آلمان به مثابه مهمترین شریک تجاری ایران و مهم‌ترین مدافع سیاست دیالوگ انتقادی، بیش از پیش پیشبرد این سیاست را با مانع مواجه دید.

برای جمهوری اسلامی نیز به تدریج فضای مانور بین اروپا و آمریکا محدودتر شد و امکان استفاده از تضاد

جریمه‌های کلان برای دست فروشان

مجلس شورای اسلامی در جلسه یکشنبه گذشته (۲۹ فروردین) خود با تصویب لایحه‌ای کشیدن سیگار را در همه اماکن عمومی شامل فرودگاه‌ها، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، اداره‌ها، سینماها، هتل‌ها و ... ممنوع اعلام کرد. همچنین براساس این لایحه خرید و فروش سیگار در خیابان‌ها ممنوع است و برای سیگار فروشی در حاشیه خیابان‌ها و اماکن عمومی بین ۲۰ تا ۱۰۰ هزار ریال جریمه تعیین شده است.

گسیخته و سطح نازل درآمدی که در وجه عمده ثمره‌ی سیاست‌های جمهوری اسلامی در ۱۷ سال گذشته مسی باشند بسیاری از مردم را به مسافرتی و دست‌فروشی کالاهایی هم چون سیگار واداشته است. از این‌رو سیگار فروشان در حاشیه‌ی خیابان‌ها اینک گروه بزرگی را تشکیل می‌دهند که جمهوری اسلامی تاکنون نتوانسته است با بگیر و ببند و ضرب و شتم آنها را از این کار بازدارد؛ لایحه‌ی مزبور نیز تا زمانی که با سیاست‌های اشتغال‌زا و کاهش تورم همراه نشود مشکلی را حل نخواهد کرد. هم‌چنین باید به این واقعیت اشاره کرد که کانال‌های عمده‌ی توزیع سیگار در مسان دستفروش‌ها را خود محافل درونی رژیم در اختیار دارند که از قبل آن و با دادن بخش اندکی از سود این‌گونه توزیع به دست‌فروش‌ها، به درآمدهای کلان و نجومی دست یافته و می‌یابند. طبیعی است که این محافل نیز در راه اجرای لایحه‌ی مزبور سنگ‌اندازی کنند.

یزدی: مامی توانیم مقامات آلمان را محکوم کنیم

محمد یزدی رئیس قوه قضائیه رژیم، روز یکشنبه گذشته در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد. وی در برابر سؤال خبرنگاری از انگلیس که نظرش را در مورد صدور حکم جلب فلاحیان خواسته بود گفت: دادستان آلمان بدون در نظر گرفتن قوانین بین‌المللی، چنین حکمی صادر کرده است که در صورت روال بودن این رویه ما هم در ایران پرونده‌هایی داریم که می‌توانیم مقامات آلمانی را محاکمه کنیم. یزدی که چون دیگر سران رژیم در پرونده‌سازی و قلب و اقیقت ید طولایی دارد در مورد حادثه‌ی مرگ دردناک علیرضا فرزانه فرزند جوان ۲۳ ساله‌ی که هنگام حمله‌ی نیروهای بسیجی از طبقه‌ی هجدهم آپارتمانی در شهرک غرب سقوط کرد، وقیحانه اظهار داشت: من تعجب می‌کنم که یک مسئله جزئی را این‌همه بزرگ و درشت می‌کنند. نیروی انتظامی طبق گزارش مردمی با حکم قضایی وارد ساختمان شده و با حدود ۶۰ نفر زن و مرد لخت و نیمه‌لخت مواجه می‌شود و

در حین نوشتن گزارش خود بوده است که علیرضا فرزانه فرقه‌ی طبقه‌ی گزاش پزشک قانونی شدیداً به الکل و مواد مخدر مسموم بوده، به بالکن رفته و دور از چشم مأموران خود را پایین می‌اندازد. یزدی در این مصاحبه‌ی مطبوعاتی گزارش اخیر کاپیتورن در مورد نقض حقوق بشر در ایران را متعادل‌تر از گزارش‌های گالیندویل دانست و از اینکه عمده‌ی سخنان او و دادستان کل و دیگر مقامات قضایی رژیم در این گزارش منعکس شده است، ابراز وجد نمود. رئیس قوه قضائیه رژیم در پاسخ به سؤال خبرنگار روزنامه‌ی آس‌اس‌ای در مورد محکومیت عباس معروفی نویسنده معروف و سردبیر نشریه‌ی گردون به زندان، محرومیت از فعالیت مطبوعاتی و شلاق گفت، حکم عباس معروفی بسا نظر هیئت منصفه‌ی مطبوعات صادر شده است و چنانچه این هیئت تشخیص دهد که وی استحقاق تخفیف را دارد، حکم شلاق در مورد وی اجرا نخواهد شد.

هفته نامه بهمن تعطیل خواهد شد؟

هفته‌نامه «بهمن» که از دیماه سال گذشته شروع به انتشار کرده بود و عمدتاً به نشر و اشاعه دیدگاه‌های جناح «کارگزاران سازندگی» می‌پرداخت، تعطیل شد. بهمن که صاحب امتیاز آن عطاءالله مهاجرانی، معاون حقوقی و پارلمانی فرسنگانی می‌باشد در ۱۷ شماره گذشته خود کوشیده است در گرماگرم رقابت جناح‌های درون حکومت بر سر کرسی‌های مجلس چهارم مستقل و حامی آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از خود به نمایش بگذارد و جناح مقابل یا «جامعه روحانیت مبارز» را حامل فشارها و محدودیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی معرفی کند.

حکم جلال‌الدین فارسی نقض شد

چهارشنبه‌ی پیش سومین دور رسیدگی به جنایت جلال‌الدین فارسی در دادگاه عمومی تهران آغاز شد. محاکمه‌ی مجدد به علت تجدید نظر دیوان عالی کشور بر روی حکم اعدام صادره دادگاه کیفری تهران و نقض آن صورت گرفت. جلال‌الدین فارسی که از اندیشه‌پردازان و سردمداران اصلی حکومت اسلامی در بدو انقلاب بود و کاندیدای اصلی روحانیون برای انتخابات دور اول ریاست جمهوری به حساب می‌آمد و به خاطر ملیت غیر ایرانی‌اش نتوانست در آن انتخابات شرکت کند و به نمایندگی دومین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی بسنده کرد، سه سال پیش در جریان یک

افاضات عضو شورای مرکزی جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب در گفتگو با صبح

این نگرانی را ندارید. اگر با این نگرانی موافقت چه کار باید کرد؟ حسینیان: از اینکه می‌بینیم متأسفانه قسمت اعظم از حاکمیت اجرائی دارد به این سمت و سو کشیده می‌شود و بسترهای لیبرالیسم در مملکت دارد بوجود می‌آید، متأسف می‌شویم. شما می‌بینید یک فردی که به‌رحال وابستگی به یک شخصیت درجه‌ی اول، این مملکت دارد اصرار می‌کند که دختران ما بیایند در خیابان‌ها و در حضور و انتظار و چشم‌ها ماتور بدهند و تبلیغ هم می‌شود و امکانات برای آن فراهم می‌شود. ما نتوانستیم مردان را دوچرخه سوار بکنیم ولی اصرار دارند که زن‌ها و دخترها را به دوچرخه‌سواری در خیابان‌ها بکشاند. طبق گزارشی که به ستاد امر به معروف و نهی از منکر دادند یکی از ارگان‌ها از بیت‌المال و حقوق عمومی مقدار زیادی دوچرخه‌ی ارزان قیمت وارد کرده تا در اختیار دخترها قرار دهد. در حالی که بسیج می‌خواهد چنین کاری را

برای بچه‌های بسیج بکنند، نتوانسته است دوچرخه وارد بکند ولی به راحتی این امکانات برای کشاندن جامعه به مرزهای لاپابالی‌گری صرف می‌شود. واقعاً اینجا جای نگرانی دارد احساس می‌کنید که خطر، دارد نزدیک می‌شود. شما فرض کنید چه افرادی سوار دوچرخه می‌شوند. آیا دختران حزب‌اللهی سوار دوچرخه می‌شوند و دخترانی که پای‌بند اصول اخلاقی هستند؟ اصلاً شخصیت زن و دختر متدین اجازه می‌دهد که در نظر مردم سوار دوچرخه می‌شود. و یک زن با شخصیت به خودش اجازه می‌دهد سوار دوچرخه بشود؟ قطعاً پیشگامان دوچرخه‌سواری در ایران زنان و دختران لاپابالی هستند و از اینکه دیگران به آنها نگاه کنند و مورد تیر چشم‌های ناپاک قرار بگیرند، هیچ ابایی ندارند. این‌ها نگران کننده است. اما به نظر می‌آید شاید این هم یک لطف الهی است که می‌خواهد بدی‌ها را به حد

مراسم «برائت از مشرکین» برگزار نشد

امسال نیز چون سال‌های گذشته، تلاش رژیم در سیاسی کردن مراسم حج عظیم مانند مقامات رژیم و در رأس آنها سیدعلی خامنه‌ی از مدت‌ها پیش از شروع مراسم حج اعلام کردند که امسال مراسم موسوم به برائت از مشرکین را به هر قیمت برگزار خواهند کرد. خامنه‌ی اجرای این مراسم را از اصول مسلم حج دانست و اظهار داشت که حج بدون آن مفهوم واقعی ندارد. با این حال در جریان مراسم حج هنگامی که روشن شد حکومت عربستان که در

شبکه جهانی اینترنت

شبکه جهانی اینترنت

بخوانید

نشریه کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از طریق شبکه‌ی جهانی اینترنت در دسترس شماست. علاقمندان می‌توانند صفحات نشریه و هم‌چنین مطالب بولتن انگلیسی News & Views را در WWW زیر آدرس: <http://193.80.248.16/iran.kar.fadai.aksariyat/> ملاحظه فرمایند.

مقالات اصلی هر شماره هم‌چنین به خط گوردسوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و مشترک نشریه‌ی کار نیستند توصیه می‌کنیم.

خبرهای کوتاه

تهدید تازه‌ی وزیر دفاع آمریکا

ویلیام پری وزیر دفاع ایالات متحده‌ی آمریکا اخیراً رژیم‌های جمهوری اسلامی، لیبی و عراق را از دست‌یابی به سلاح‌های کشتار جمعی برحذر داشت و اعلام کرد که دولت آمریکا به هر اقدامی برای جلوگیری از دستیابی سه کشور نامبرده به چنین سلاح‌هایی دست خواهد زد و چه بسا که در این راستا گام‌های دور از انتظاری بردارد.

انتقاد صدا و سیمای رژیم از کرباسچی

افزایش اختلاف‌های میان شهرداری تهران و صدا و سیمای جمهوری اسلامی بدنبال لغو قراردادهای فی‌مابین، برنامه‌های کانال پنجم تلویزیون که بیشتر به مسائل شهری می‌پردازد و تاکنون عملکردهای کرباسچی شهردار تهران را مورد پشتیبانی قرار می‌داد، اکنون تغییر رویه داده و به انتقاد از وی و نمایش کاستی‌ها و نارسایی‌های تهران بزرگ روی آورده است. علاوه بر رادیو و تلویزیون رژیم، مطبوعات وابسته به جناح راست سنتی و تندرو حکومت نیز با هم‌آهنگی حملات تند خود را بر علیه کرباسچی به اتهام سوءاستفاده‌های مالی از امکانات دولتی در جریان انتخابات مجلس پنجم تشدید کرده‌اند.

حمله به پناهجویان در پوشش هلال احمر

حزب دموکرات کردستان ایران با انتشار اطلاعیه‌ی خبر داد که تروریست‌های رژیم اخیراً با استفاده از آمبولانس‌های هلال‌احمر جمهوری اسلامی به ننگهبانان اردوگاه‌های پناهجویان کرد ایرانی در ناحیه‌ی پانیچان استان سلیمانیه‌ی کردستان عراق حمله کرده‌اند.

ترکیه یک پناهجو را به رژیم تحویل داد

خبرگزاری رویتر گزارش داد که پلیس ترکیه مهرداد کاووسی یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران را که در آن کشور تقاضای پناهندگی کرده بود از طریق یک پاسگاه مرزی به مقامات رژیم جمهوری اسلامی تحویل داده است. به گفته‌ی سخنگوی دفتر سازمان ملل متحد در ترکیه بیم آن می‌رود که مهرداد کاووسی با داشتن سابقه‌ی فعالیت سیاسی و زندانی بودن به مدت ده سال که در زندان اوین دارد، مورد شکنجه و آزار مأموران ساواک جمهوری اسلامی قرار گیرد.

اختلاس در بانک تجارت کاشان

براساس گزارش‌های دریافت شده یازده تن از کارمندان شعبه‌های بانک تجارت کاشان و پنج تن از مدیران شرکت‌های تولیدی دولتی به اتهام اختلاس و استفاده‌های غیرقانونی از اعتبارهای بانکی اخیراً دستگیر شدند. قرار است دستگیرشدگان در دادگاه انقلاب اسلامی اراک که مرکز استان مرکزی می‌باشد محاکمه شوند.

۲۷ نفر در یک حادثه رانندگی کشته شدند

در یک تصادف رانندگی در استان اصفهان ۲۷ نفر کشته شدند. اتوبوس حامل مسافران که از بندرعباس رهسپار تهران بود با یک کامیون حامل سیمان برخورد کرد و بشدت متلاشی شد. در این حادثه تمامی مسافران اتوبوس پیش از رسیدن مأمورین امداد جان سپردند. پیکر بسیاری از مسافران چنان آسیب دیده بود که پلیس برای شناسایی آنها از خانواده‌هایشان امداد خواسته بود. بنابر نظر کارشناسان شهری و بین شهری جاده‌های ایران فاقد امکانات ایمنی هستند و سالانه بیش از ۳۰ هزار تصادم رخ می‌دهد که به مرگ ۳۰ هزار نفر منجر می‌شود.

اجرای مرحله اول طرح ایمن‌سازی فلج اطفال

بنا به گزارش روابط عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نوبت اول واکسیناسیون سومین دوره‌ی روزهای ملی ایمن‌سازی فلج اطفال در روز ۲۱ اردیبهشت ماه و نوبت دوم در ۲۵ خرداد ماه، در ۶ هزار پایگاه سراسر کشور صورت می‌پذیرد. شایان ذکر است که این بیماری در نیمه‌ی اول دهه‌ی میلادی جاری در نیمکره‌ی غربی ریشه‌کن شد و سازمان بهداشت جهانی قصد دارد تا سال ۲۰۰۰ این بیماری را نیز مانند آبله در سطح جهان از بین ببرد.

احتمال وقوع فاجعه‌ی زیست محیطی

محمود عبدالمحمد هم‌آهنگ کننده‌ی سازمان منطقه‌ی حفاظت از محیط زیست دریایی که مقر آن در کویت است در مصاحبه‌ی با خبرنگاری فرانسه هشدار داد در صورتیکه بقایای ده‌ها نفت‌کش و کشتی‌جنگی آسیب‌دیده در جریان دو جنگ خلیج فارس از عمق آبهای این منطقه بیرون کشیده نشود خطر وقوع یک فاجعه‌ی زیست محیطی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. فاجعه‌ی که تمامی کشورهای مجاور خلیج فارس را تهدید می‌کند. بنا به اظهارات این کارشناس حفظ محیط زیست، این کشتی‌ها که تعدادشان حدود ۲۰۰ عدد است، مقادیر زیادی نفت یا سلاح و مهمات که دارای مواد شیمیایی خطرناک می‌باشند با خود به قعر آب‌های خلیج فارس برده‌اند.

اعطای بورس تحصیلی با هزینه‌ی شخصی؟

بنابه گزارش روابط عمومی سازمان سنجش آموزش کشور آزمون ورودی تحصیلات تکمیلی (دوره‌های دکترای تخصصی اعزام به خارج از کشور) سال ۱۳۵۷ برای شرکت در امتحان رشته‌های گروه‌های آموزشی علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی، کشاورزی، هنر و رشته‌ی دامپزشکی با استفاده از «بورس تحصیلی به هزینه‌ی شخصی» در نیمه‌ی دوم اردیبهشت ماه برگزار می‌شود.

خامنه‌ای: نفت مایه دردرس است

یحیا آل‌اسحاق وزیر بازرگانی رژیم هم‌زمان با اذعان به اینکه کشور برای توسعه‌ی صنایع پایه‌ی سالانه به ۲۰ میلیارد دلار احتیاج دارد، در راستای سخنان خامنه‌ی که اخیراً نفت

همبستگی جهانی، مهم‌ترین پیام اول ماه مه!



اگر به بهانه اول ماه مه، نگاهی به وضعیت جنبش جهانی کارگری بیافکنیم، بیش از آنکه یکبارچگی و همبستگی جهانی این جنبش در نظرمان نمود یابد، تنوع آن رخ می‌نماید. در حالی که همه جا سخن از جهان به هم پیوسته، «دهکده جهانی» و مسائل عام بشری می‌رود، جنبش‌های کارگران و زحمتکشان، عمدتاً در چارچوب‌های ملی محصور مانده‌اند. به نظر می‌رسد جنبش جهانی کارگری، نتوانسته است در مبارزه روزمره خود به پیام اصلی اول ماه مه، یعنی همبستگی جهانی، معنا و مفهوم عینی بخشد. نوشتار حاضر، نخست حاوی نگاهی کوتاه به وضعیت جنبش کارگری در مناطق مختلف جهان است، سپس به اختصار، به ریشه‌های تاریخی وضعیتی که بدان اشاره رفت می‌پردازد. سال‌ها پیش، این جنبش متحمل شکست‌ها و عقب‌نشینی‌هایی شده است که بر وضعیت کل جنبش جهانی کارگری، تأثیر تعیین‌کننده‌ای می‌گذارد. این عقب‌نشینی‌ها صرفاً به سال‌های پس از فروپاشی نظام‌های سیاسی اروپای شرقی بر نمی‌گردد، در حقیقت از آغاز «انقلاب محافظه‌کارانه» در غرب نمایان شده است.

انگلیس، نخستین کشور مهم سرمایه‌داری بود که در آن، در پایان دهه هفتاد، محافظه‌کارترین نمایندگان سرمایه‌داری به قدرت رسیدند و یورش به دستاوردهای جنبش کارگری و سندیکایی را آغاز کردند. و می‌توان گفت فرانسه، آخرین کشور از هفت کشور بزرگ صنعتی است که در آن، در سال گذشته شاهد برخوردهای حاد بین راست مهاجم از یک سو، و جنبش کارگری از سوی دیگر بودیم. نگاهی به دهه کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، نشان می‌دهد که همه‌جا، عاملان موج جدید راست، از قدرت متشکل سندیکاها کاسته‌اند، دستاوردهای جنبش کارگری و دموکراتیک در عرصه تأمین اجتماعی را یکی پس از دیگری پس گرفته‌اند و بار بران‌های اختاری و ادواری سرمایه‌داری را به دوش کارگران و زحمتکشان منتقل کرده‌اند.

الته میزان و شکل این یورش در کشورهای مختلف، متفاوت است. در کشورهای انگلوساکسون، دولت‌های راستگرا راه برخورد مستقیم و سرسختانه را با سندیکاها برگزیدند. در انگلیس، در طول ماه‌ها اعتصاب معدنچیان علیه خصوصی‌کردن و تعطیل معادن، دولت تاجر کوچکترین انعطافی از خود نشان نداد و مقاومت سندیکاها عملاً با اجرای نقشه‌های محافظه‌کاران، بی‌نتیجه ماند. این کشور در دو دهه اخیر، شاهد کاهش شدید نفوذ و امکان تأثیرگذاری اتحادیه‌های کارگری بوده است. حتی در حزب کارگر نیز که به طور سنتی، مستند سندیکاها بود، تغییرات اساسنامه‌ای و برنامه‌ای و نیز تغییر ترکیب رهبری این حزب، به محدود کردن نفوذ سندیکاها انجامید. در آمریکا پیش از روی کار آمدن ریگان نیز اتحادیه‌های کارگری در مقایسه با اروپا مواضع ضعیفی داشتند. با این حال در همان نخستین سال حکومت جمهوریخواهان، سرکوب اعتصاب کارکنان مراقبت پرواز فرودگاه‌ها نشان داد که محافظه‌کاران این کشور در به‌کری نشانند برنامه خود همان قدر مصمم‌اند که هم‌تایان انگلیسی‌شان. در طول ۱۲ سال حکومت جمهوریخواهان، بسیاری

کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی هر چه بیشتر به خود می‌گیرند، از یک سو تناسب قدرت بین دولت و بخش خصوصی را به سود بخش خصوصی تغییر داده و از سوی دیگر، وضعیت مهم‌ترین پایگاه‌ها، یعنی حقوق‌بگیران را اساساً متحول کرده است... وجه مشخصه یک جامعه متکی بر بخش اطلاعات و خدمات، کاسته شدن از کار یابی و تولیدی است، یعنی در نتیجه به حاشیه راندن سنت‌های کارگران متخصص و محو تدریجی نمونه تیپیک کارگری که جنبش کارگری به او متکی بوده است: معدنچیان، تراشکاران، فلزکاران، کارکنان حمل‌ریزه، به طور خلاصه آریستوکراسی کارگری. وجه مشخصه جامعه دوسوم، ایجاد شکاف بین هسته اصلی کارکنان و کارکنان حاشیه‌ای است. هر چند در سرمایه‌داری، مشاغل کاملاً مطمئن و دائمی وجود ندارد و یک فرد شاغل می‌تواند از مرکز به حاشیه پرتاب شود، اما به نظر می‌رسد سرمایه‌داری امروزی این توان را حفظ کرده است که در شرایط بحران‌های ساختاری و ادواری نیز اکثریت کارمندان و کارگران را به نوعی همکاری وادارد و به آنها حداقل به طور ذهنی احساس بهره‌مند بودن از یک چشم‌انداز مطمئن برمی‌رساند. این دو روند، وضعیت را به گونه‌ای چشمگیر تغییر داده است.

جنبش کارگری در کشورهای «پیرامونی» نتیجه اصلی پایان جنگ سرد، تبدیل کشورهای سوسیالیستی سابق به حواشی اقتصاد سرمایه‌داری است. از این رو، در تحلیل روندهای سرمایه‌داری می‌توان به تمایز میان «مترویل» و «حاشیه» اکتفا کرد. مشخصات عمومی جایگاه کشورهای قلمرو سابق سوسیالیسم واقعاً موجود کشورهای جهان سوم در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری، مشترک است. اما تحولات سرمایه‌داری در تک‌تک این کشورها ویژگی‌هایی دارد که هر یک از این کشورها را از دیگری متمایز می‌کند.

نکته مشترک در همه کشورهای حاشیه این است که «انقلاب محافظه‌کارانه» در مرزهای کشورهای مسترویل متوقف نشده است. سرمایه‌داری جهانی می‌کوشد به این کشورهایی که توسعه اقتصادی را مهم‌ترین مسئله خود می‌دانند، راه رشدی را تحمیل کند که «بازارگرایی» بین‌المللی پول و بانک جهانی به کشورها بیاورد و بدین شکل «دولت لاغر» را به بهای حذف سوبسیدها و کمک‌های اجتماعی اجرا کند و اقتصاد را هر چه بیشتر به بخش خصوصی بسپارند. این نسخه در بسیاری از کشورهای حاشیه، مورد پذیرش قرار گرفته است و اجرا می‌شود. اما از آنجا که این «راه رشد» همه جا نتوانسته است به موفقیت‌های ملموسی برسد، مقاومت در برابر آن نیز گسترده است. در کشورهای سوسیالیستی سابق، بدون اینکه جنبش کارگری مستقل و نیرومندی در برابر یورش محافظه‌کاران شکل گیرد، در سال‌های اخیر شاهد بازگشت احزاب کمونیست، سوسیالیست و چپ به قدرت بوده‌ایم. کارگران و زحمتکشان این کشورها، پیش از آنکه به اشکال سنتی مبارزه سندیکایی مرسوم در کشورهای سرمایه‌داری روی آورند، با مراجعه به حافظه تاریخی (حتی کوتاه‌مدت) خود به یاد می‌آورند که در سوسیالیسم، در نبود آزادی، تأمین اجتماعی وجود داشت و شمشیر دامکلس یکاری و فقر در بالای سر فرد نبود. مقاومت این مردم در برابر الگوهای محافظه‌کارانه رشد، به صورت رأی دادن آنها به احزابی صورت می‌گیرد که در زمان سوسیالیسم، زمام امور را در دست داشتند و اکنون اغلب با برنامه‌های سوسیال‌دموکراتیک، به قدرت باز می‌گردند. با این حال در این کشورها

نیاز به تشکل مستقل سندیکایی احساس می‌شود، چرا که اولاً برنامه اقتصادی - اجتماعی برخی از احزاب کمونیست سابق نیز شامل نکاتی مانند خصوصی‌سازی است که در صورت تحقق آن بدون حضور نیرومند جنبش مستقل کارگری، می‌تواند به محو دستاوردهای اجتماعی بیانجامد و ثانیاً آنچه مد نظر احزاب سیاسی است، در وهله اول کسب و حفظ قدرت است، در حالی که جنبش مستقل کارگری، در همه حال وظیفه دفاع از منافع زحمتکشان را بر عهده دارد.

در بسیاری از کشورهای جهان سوم، اگر مقاومتی در برابر یورش محافظه‌کارانه صورت می‌گیرد، بار اصلی سازماندهی این مقاومت را اتحادیه‌های کارگری بر عهده دارند. با این حال، این گونه تشکلهای در کشورهای عقب‌مانده که بسیاری از آنها حکومت‌های به درجات مختلف خودکامه دارند، اغلب وظایفی عام در عرصه مبارزه برای دموکراسی و آزادی سیاسی و سندیکایی نیز بر عهده دارند. به عنوان نمونه، در اعتصابات اخیر بنگلادش علیه دولت، اتحادیه‌های کارگری نقش مؤثری داشتند.

مبارزه اتحادیه‌های کارگری در بسیاری از کشورهای جهان سوم را می‌توان در مواردی، مبارزه در راه تحقق ابتدایی‌ترین حقوق انسانی نامید. مثلاً وقتی سندیکاهای کارگری هند علیه استثمار کودکان مبارزه می‌کنند، و یا وقتی اتحادیه‌های کارگران مزارع قهوه آمریکای لاتین، خواهان رعایت موازینی می‌شوند که سال‌هاست به عنوان اصول مورد پذیرش بین‌المللی در کشورهای حقوق کارگری تصویب شده است، می‌توان این مبارزه را در چارچوب مبارزه عمومی برای تحقق حقوق ارزیابی کرد.

در اغلب کشورهای جهان سوم، از جمله در کشور ما، هنوز مسئله تشکل مستقل کارگران و زحمتکشان در دستور روز قرار دارد. بسیاری وظایفی که به خاطر نبود این تشکلهای، ناپرداخته مانده‌اند. بدون حل این مسائل، نمی‌توان از برقراری دموکراسی واقعی سخن گفت. از این رو، هر نیرویی که فی‌المثل در کشور ما از دموکراسی سخن می‌گوید، اما به نقش اتحادیه‌های مستقل کارگری در بنا و حفظ دموکراسی کم بها می‌دهد و یا حتی وجود چنین تشکلهایی را مانع راه رشدی می‌داند که برای جامعه تجویز می‌کند، در عمل به دنبال حفظ ساختارهای خودکامه است. دموکراسی تنها به معنای تعدد احزاب و انتخابات دوره‌ای نیست. دموکراسی باید بر چنان توازنی از قوای اقشار و طبقات مختلف استوار شود که امکان تحمیل اراده طبقه به لحاظ اجتماعی نیرومندتر را محدود نماید. چنین توازنی، بدون تشکلهای مستقل مزدگیران برقرار نمی‌شود. در تحلیل شرایط شکل‌گیری جنبش مستقل کارگری در کشورهای جهان سوم، باید به پاره‌های موانع نیز توجه داشت که این مبارزه را دشوار می‌کند. به عنوان نمونه، شرایط و بحران‌های بین‌المللی و داخلی، در برخی کشورها، از جمله کشور ما، به نوعی صنعت‌زدایی و پراکنده شدن

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت اول ماه مه

اول ماه مه، روز جهانی کارگران گرامی باد!

کارگران و زحمتکشان ایران! شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اول ماه مه، روز جهانی کارگر را صمیمانه به شما شادباش می‌گوید و یاد آنانی را که به خاطر آرمانهای عدالتخواهانه و پی‌ریزی جامعه انسانی پیکار کرده‌اند، گرامی می‌دارد. روز اول ماه مه بیش از هفت دهه است که در کشور ما علیرغم همه ناملایمات، توسط کارگران و زحمتکشان و همه آنانی که خود را با آماج‌های انسانی اول ماه مه همسو می‌بینند، پاس داشته می‌شود.

اول ماه مه سبیل پیکار کارگران و زحمتکشان علیه ستم سرمایه و بی‌عدالتی اجتماعی و برای رسیدن به جامعه‌ای عادلانه و انسانی است. اردوی کار در نبرد علیه سرمایه در طی دو قرن اخیر به موفقیت‌های شایانی دست یافته و سرمایه‌داری را گام به گام عقب نشانده است. اما در دهه‌های اخیر تهاجم سنگینی از سوی سرمایه‌داران آغاز شده است. آنها آنچه را در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم از دست داده بودند، باز می‌ستانند و بی‌سابقه‌ای به بی‌سابقه‌ای را بر کارگران تحمیل می‌کنند. اکنون جنبش کارگری نه در موضع مبارزه برای کسب حقوق بیشتر، بلکه در موضع تدافعی و در تلاش برای حفظ آن چیزهایی است که در پیکار با سرمایه به دست آورده است.

امروز پیکار کارگران علیه ستم سرمایه با مبارزه نیروهای دموکراتیک برای حل مشکلات بیشمار جهانی از جمله حفظ محیط زیست و شکاف عظیم بین شمال و جنوب پیوند خورده است و ضرورت همبستگی جهانی زحمتکشان و نیروهای دموکراتیک را در چندان کرده است. اول ماه مه تجلی این همبستگی جهانی برای جستجوی راه‌های دموکراتیک و عادلانه برای حل مسائل مشترک انسانها است.

در میهن ما نیز کارگران با پیشبرد برنامه تعدیل اقتصادی، موج وسیع اخراجها و بازخریدها و با افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی، در وضعیت فوق‌العاده طاقت‌فرسا به سر می‌برند. تورم لیجام‌گسیخته و انتقال بار بحران اقتصادی بر دوش زحمتکشان جامعه توسط رژیم اسلامی، موجب شده است که سطح درآمد و زندگی آنها به طور بی‌سابقه‌ای کاهش یابد. از سوی دیگر تداوم و تشدید رکود اقتصادی، توقف سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و عمرانی به پیکاری عظیم در جامعه انجامیده است. اکنون بخش نسبتاً وسیعی از نیروی کار جامعه بیکار گشته است. در سایه حکومت اسلامی، لایه‌های نازک از جامعه به ثروت‌های بی‌کران دست یافته و با کارهای دلالی، تجاری و با زد و بند با مقامات رژیم حاکم و دزدی و ارتشاء دسترسی زحمتکشان و ثروت‌های ملی را به یغما می‌برند. اکثریت مردم ما در زیر خط فقر قرار دارند. شکاف طبقاتی در جامعه ما ابعاد فاجعه‌باری پیدا کرده است.

در مقابل این وضعیت بس ناگوار، کارگران و زحمتکشان ایران فاقد تشکل مستقل صنفی هستند تا از منافعشان در مقابل غارتگرها و سیاست‌های ضد کارگری رژیم اسلامی دفاع کنند. تشکل، حربه کارساز و مؤثر زحمتکشان است. استبداد حاکم تشکلهای دولتی را به جای تشکلهای مستقل کارگری در مراکز تولیدی نشانده است. انجمنها و شوراهای اسلامی به نفع رژیم حاکم عمل می‌کنند و تشکلهای نیمه دولتی همچون «خانه کارگر» در نهایت در خدمت حاکمان قرار دارند.

با این وجود کارگران صدای اعتراض خود را به اشکال مختلف بلند می‌کنند. اعتصاب کارگران خودروسازان در اعتراضی به سیاست انحلال این کارخانه، اعتصاب و تحصن کارگران بنز خاور و اعتصاب کارگران نساجی قائم‌شهر، نمونه‌ای از مبارزات کارگران در سال گذشته است. اما رژیم مستبد در موارد متعددی دستجات سرکوب خود را راهی کارخانه‌ها کرده، حرکات اعتراضی را سرکوب و کارگران را بازداشت کرده است. کارگران همواره در مبارزه برای منافع صنفی‌اشان با سرکوب رژیم حاکم مواجه می‌شوند. به همین خاطر مبارزه صنفی کارگران با مبارزه سیاسی فراگیر در جامعه علیه استبداد حاکم و برای تأمین آزادیهای سیاسی عمیقاً پیوند خورده است.

امروز مبارزه برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و مبارزه متشکل و متحد علیه ستم سرمایه و برای تأمین مطالبات کارگران از یک سو و از سوی دیگر پیکار برای تأمین آزادیهای سیاسی در جامعه، به یک امر میرم تبدیل شده است. اول ماه مه روز جهانی تجدید میثاق کارگران و زحمتکشان در مبارزه مشترک برای دستیابی به آرمانهای عدالت خواهانه و انسانی است. با برگزاری جشن اول ماه مه بر تداوم این میثاق پای بنفشاریم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اردیبهشت ماه ۷۵

تعریف می‌شود. لبه تیز مبارزه برای عدالت اجتماعی نیز امروز متوجه حکومتی است که در خدمت قشر محدودی از تاجر بازار و بوروکرات‌های فاسد قرار دارد.

مسائل جهانی

راه‌حل‌های جهانی می‌طلبد علیرغم تنوع شرایط ویژه هر کشور که بدان اشاره رفت، جهان امروز با مسائل عامی نیز روبرو است که بعضاً به طور سنتی و تاریخی، مورد توجه جنبش کارگری بوده است و اکنون نیز جنبش کارگری نمی‌تواند از کنار آنها بی‌تفاوت بگذرد. در جهان امروز، ده‌ها کانون جنگ و تخاصم ملی وجود دارد که در طول سال‌های اخیر، صدها هزار قربانی گرفته است. از قرون نوزدهم بدین سو، جنبش کارگری پیوند نزدیکی با جنبش صلح دارد. این سوسیالیست‌ها بودند که در برابر ناسیونالیسم سربرآورده از انقلاب‌های بورژوازی، همبستگی بین‌المللی را بر پرچم خود نوشتند. جهان امروز، شاهد بی‌عدالتی فاحشی است که اقتصاد جهانی سرمایه‌داری به بار آورده است. تنها یک جنبش همبسته جهانی است که می‌تواند به طور مؤثر علیه این بی‌عدالتی مبارزه کند. در طول تاریخ ۱۱

مراکز کارگری انجامیده است. در ایران، این روند بسیار بارز است. طی سال‌های حکومت پسران‌زای جمهوری اسلامی، بسیاری از مراکز صنعتی ایران از بین رفته و یا به شدت تضعیف شده‌اند. کشور ما بدون اینکه مراحل رشدی را پشت سر نهد که کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری گذرانده‌اند، دچار بحرانی شده است که امروز مشخص این کشورهاست: بحران ساختاری ناشی از صنعت‌زدایی و روی آوردن سرمایه به بخش خدمات. بدون اینکه بخواهیم پیش‌بینی دقیقی از روند آینده توسعه اقتصادی در ایران ارائه دهیم، می‌توان مطمئن بود که بخش عمده‌ای از اقتصاد ایران در هر شرایط، بر خدمات (چه داخلی و چه در ارتباط با تجارت بین‌المللی) متمرکز خواهد بود. در چنین شرایطی، جنبش سندیکایی ایران باید برنامه‌ها و شعارهای ابتکاری ویژه‌ای را برای جذب نیروها و اقشاری که معمولاً به علت عدم تعلق به هسته صنعتی طبقه کارگر، با شعارهای سنتی جنبش سندیکایی قابل جذب نیستند، تدوین کند. در شرایط حاضر، محور اصلی این شعارها و برنامه‌ها، دموکراسی و حقوق بشر است. اما جنبش اتحادیه‌ای بیش از هر چیز با شعارهای عدالت اجتماعی

مرگ دختر مد دوز

به نقل از کارل مارکس، کاپیتال، جلد اول، فصل هشتم، بند چهارم.

در آخرین هفته‌های ماه ژوئن ۱۸۶۳ تمام روزنامه‌های لندن خبر هیجان انگیزی را زیر عنوان «مرگ دختر مد روز» منتشر کردند. «مری آن واکلی»، ۲۰ ساله در یکی از معتبرترین سالن‌های مد دریاری کار می‌کرد. مدیر سالن خانمی بود با نام دلربای «الیزه». داستان قدیمی که بارها تکرار شده از نو نقل می‌شود. این دختر بطور متوسط روزی ۱۶/۵ ساعت کار می‌کرد. ولی به هنگام فصل اغلب تا ۳۰ ساعت متوالی کار ادامه پیدا می‌کرد. مری «نیروی کار» فرسوده‌اش را با نوشیدن قهوه یا شری و پورتر جبران و خود را سرپا نگاه می‌داشت.

مرگ او درست در بجهوه فصل اتفاق افتاد. لازم بود مدتی با شتاب هرچه بیشتر کارکنندتالیس‌های خانمهای نجیب‌زاده برای شب‌نشینی رقص

به افتخار «پرنس ویز» به موقع آماده شود. مری ۲۶/۵ ساعت متوالی همراه با ۶۰ دختر دیگر کار کرده بود. ۳۰ نفر از این دختران در اطاق کوچکی که کمتر از یک سوم هوای لازم برای تنفس را داشت کار می‌کردند و شب‌ها هر دو نفر از آنها با هم در یک زاغه متعفن که با یک تخته از دیگری سوا می‌شد بیهوش می‌کردند. و این تازه یکی از بهترین سالنهای مد لندن بود. مری روز جمعه بیمار شد و روز یکشنبه درگذشت. بدون اینکه حتی «آخرین دست لباسی را که در دست داشت تمام کند» (امری که موجب شگفتی خانم الیزه شد).

پزشک هنگامی که به بالین وی فراخوانده شد که کار از کار گذشته بود. او با کلماتی خشک به «هیأت تحقیق» چنین

گزارش داد: «مری آن واکلی بدین علت مرده است که ساعات طولانی در کارگاهی کار کرده که بیش از حد کارگر داشته و در اطاقی خوابیده که بیش از حد تنگ بوده است».

هیأت تحقیق برای اینکه وظیفه دکتر را هم به او گوشزد کرده باشد اعلام کرد:

«مرحومه در نتیجه سگته قلبی درگذشته است ولی بیم آن می‌رود که مرگ در اثر کار در کارگاهی که بیش از حد کارگر داشته تسریع شده باشد».

و روزنامه مورنینگ‌استار خبر را زیر این تیتر انتشار داد:

«بردگان سفید تا دم گور کار می‌کنند و بی سر و صدا نابود می‌شوند و می‌میرند».



جشن نخستین ماه مه در فرانسه؛ کاستیون پاریس، از دید «دورف بلون» -

نشریه کار در ادامه سیاست خود دایر بر معرفی نهادها، تشکل‌ها و مجامع فرهنگی، سیاسی و سندیکایی و شناساندن اهداف و عرصه‌های فعالیت و اقدامات آنان در این شماره به مصاحبه با آقای حسین نظری مسئول کمیسیون ارتباطات سندیکایی پرداخته است. در زیر متن این مصاحبه را ملاحظه می‌کنید:

همبستگی زحمتکشان؛ نیاز سرنوشت‌ساز

مصاحبه «کار» با آقای حسین نظری، مسئول کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران

کار: آقای نظری، ضمن تبریک روز جهانی کارگر، از شما خواهش می‌کنیم، در باره پیشینه پیدایش کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران و عملکرد کنونی آن، اطلاعاتی به خوانندگان ما بدهید.

نظری: با تشکر فراوان از برگزاری این مصاحبه و شادباش متقابل به خاطر اول ماه مه، باید عرض کنم که از پیدایش کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران، اینک ۳۶ سال می‌گذرد. این کمیسیون در واقع ادامه دهنده فعالیت شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران است. شورای متحده مرکزی در سال ۱۳۲۳ تشکیل شد و کمیسیون در سال ۱۳۲۹، شورای متحده در سال ۱۳۲۵، همزمان با تشکیل فدراسیون سندیکایی جهانی به عضویت آن درآمد. در واقع یکی از پایه‌گذاران آن نیز بود. اهمیت موقعیت شورای متحده باعث شد که دبیر کل آن رضا روستا به عضویت ارگان رهبری فدراسیون سندیکایی جهانی درآید.

در اول ماه مه ۱۹۴۶ (۱۳۲۵)، لونی سایان، دبیر کل فدراسیون سندیکایی جهانی به تهران آمد و در راهپیمایی ۸۰ هزار نفره کارگران و زحمتکشان ایران شرکت کرد. شورای متحده در پیوند تنگاتنگ با دیگر اعضای فدراسیون سندیکایی جهانی، در همه نشست‌ها و گردهمایی‌های آن شرکت فعال داشت. پس از کودتای ۲۲، با وجود آنکه سندیکاهای مستقل کارگران و زحمتکشان سرکوب شدند، اما شورای متحده مرکزی همچنان به عنوان

عضو رسمی فدراسیون جهانی جایگاهش را حفظ کرد. در سال ۱۳۳۹ تصمیم گرفته شد که فعالیت شورا، در ابعاد دیگری تحت عنوان کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران، تداوم یابد. وظیفه اصلی کمیسیون ارتباطات طی این سالها (تا سال ۵۷) متعکس کردن مسائل جنبش سندیکایی ایران و جلب حمایت زحمتکشان جهان از کارگران ایران، از طریق شرکت در کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های منطقه‌ای و جهانی فدراسیون سندیکایی و انتشار مطالب آگاه‌گرانه بزبان‌های فرانسه و فارسی بود. در دوره انقلاب، کمیسیون ارتباطات و نشریه آن «اتحاد»، چندگاهی از امکان فعالیت علنی برخوردار بودند. نشریه اتحاد، نقش مهمی در شکل‌گیری تشکلهای مستقل سندیکایی داشته است. بولتن‌هایی از نشریه اتحاد نیز به زبان فرانسه تهیه می‌شد و به خارج از کشور ارسال می‌شد. پس از یورش خمینی به نیروهای دموکرات و چپ و سازمانهای سندیکایی مستقل، کمیسیون ارتباطات بسا استفاده از پایگاه بین‌المللی خود در فدراسیون، به فعالیت خود ادامه داد. آخرین نمونه‌های فعالیت و حضور کمیسیون در عرصه بین‌المللی، شرکت در سیزدهمین کنفرانس فدراسیون سندیکایی جهانی در دمشق (نوامبر ۱۹۴) و پیگیری در به تصویب رساندن قطعنامه محکومیت رژیم اسلامی ایران به دلیل جلوگیری از فعالیت سندیکایی مستقل کارگری و شرکت در چهل و پنجمین کنفرانس اتحادیه عمومی کار فرانسه (C. G. T.) در دسامبر ۹۵

سرود بین‌المللی

ترجمه: احمد شاملو

گفتار از: اوژن پوتیه
آهنگ از: پیر دوگیته

برخیزید، دوزخیان زمین!
برخیزید، زنجیربان گرسنگی!
عقل از دهانه آتشفشان خویش تندروار می‌غرد.
اینک! فوران نهائی ست این.
بساط گذشته بروییم،
به پاخیزید! خیل بردگان، به پا خیزید!
جهان از بنیاد دیگرگون می‌شود
هیچیم کنون، «همه» گردیم!
نبرد نهائی است این.
به هم گرد آئیم
و فردا «بین‌المللی»
طریق بشری خواهد شد.
رهاننده برتری در کار نیست،
نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب،
خود به رهائی خویش برخیزیم، ای تولیدگران!

خود به کوره خویش بردمیم.
و آهن را گرما گرم بگویم!
نبرد نهائی ست این.
به هم گرد آئیم
و فردا «بین‌المللی»
طریق بشری خواهد شد.
کارگران، بزرگران
فرقه عظیم زحمتکشانتیم ما
جهان جز از آن آدمیان نیست
مسکن بی‌مصرفان جای دیگری است.
تا کی از شیره جان ما بنوشند؟
اما امروز و فردا،
چندان که غرابان و کرسکان نابود شوند
آفتاب، جاودانه خواهد درخشید.
نبرد نهائی است این
به هم گرد آئیم
و فردا «بین‌المللی»
طریق بشری خواهد شد.

تعیین ساعات کار روزانه حاصل چند قرن مبارزه کار و سرمایه است

کارل مارکس

کشور	متوسط ساعات کار یک کارگر طی یکسال ۱۸۷۰ - ۱۹۸۷		
فرانسه	۲۹۴۵	۲۵۵۵	۱۸۴۸
آلمان	۲۹۴۱	۲۵۸۴	۲۳۱۶
بریتانیا	۲۹۸۴	۲۶۲۴	۲۲۶۷
آمریکا	۲۹۶۴	۲۶۰۵	۲۰۶۴
سوئد	۲۹۴۵	۲۵۸۸	۲۲۰۴

قانون مصوب پارلمان اروپا در سال ۱۹۹۳ و سپس طبق قرارداد ماستریخت حداکثر ساعات کار در هفته ۴۸ ساعت پذیرفته شده و تازه این تصمیم با اعتراض و عدم تمکین دولت انگلیس روبرو شده است. متوسط ساعات کار کارگران تسمام وقت در انگلیس و نیز کشورهای دیگر در برخی رشته‌ها - از جمله در ساختمان - بیش از ۵۰ ساعت گزارش شده است. (منبع OECD) کار منبع تمام ارزش‌هاست مارکس

ساعات کار در سال رو به کاهش می‌گذارد. جدول در این زمینه گویاست:
یعنی طی یک قرن و اندکی ساعات کار هفتگی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری از حدود ۶۰ ساعت در هفته به حدود ۳۳ ساعت تنزل یافته است. البته ساعات کار روزانه تمام وقت در کشورهای اروپا بین ۳۵ تا ۴۰ ساعت است. تفاوت از آنجاست که در جدول فوق متوسط ساعات کار برای کلیه کارگران تمام وقت و نیمه‌وقت در نظر گرفته شده، در حالیکه مطابق

از شروع رشد مناسبات سرمایه‌داری در قرن ۱۴ میلادی تا قرن هجدهم تمام تلاش کارفرمایان و نیز تمام مقررات و قوانین دولتی در اروپا در جهت افزایش زمان کار تسمکز می‌یافت. در اولین آئین‌نامه‌های کار که در اواخر قرن ۱۵ در انگلیس به تصویب رسید اما در آن زمان نتوانست به اجرا درآید ساعات کار روزانه «حداقل» ۱۵ ساعت در نظر گرفته شده (از ۵ صبح تا ۷ شب). سالها طول کشید تا اینکه قوانین بتواند اجرا شود. تنها در دهه سوم و چهارم قرن ۱۹ بود که سرمایه‌داری - باز هم به اتکای قوانین دولتی در کارخانه‌های بزرگ روز کار را از ۵/۵ صبح تا ۸/۵ شب و حداقل کار روزانه را ۱۵ ساعت در این فاصله اعلام و آن را به اجرا گذاشت.
از دهه‌های هفتم قرن نوزدهم، صرفاً در اثر تشکل و مقاومت طبقه کارگر سمت و سوی قانونگذاری دولتی تغییر می‌کند و کارفرمایان ملزم به رعایت قوانینی می‌شوند که ساعات کار را محدود می‌کند. بسر اثر این مبارزه متوسط ساعات کار روزانه و متوسط

است. کمیسیون ارتباطات سندیکایی بمثابة یک نهاد سندیکایی، معتقد به حفظ استقلال خود از دولت، احزاب سیاسی، سازمانها و نهادهای مذهبی و یا ایدئولوژیک است. جهت‌یابی هر نهاد سندیکایی منوط به استقلال عمل آنست، که بر شالوده دموکراتیسم سندیکایی شکل می‌گیرد. ما ارتباط و همکاری با سازمانها و احزاب سیاسی را ضروری می‌دانیم و از آن استقبال می‌کنیم. اما آمريت هیچ سازمان و حزبی را نمی‌پذیریم.
کار: آیا کمیسیون ارتباطات، با فعالین سندیکایی ایران در مهاجرت و نشریات سندیکایی‌ای که در خارج از کشور (به ویژه در انگلستان و سوئد) منتشر می‌شود، بقیه در صفحه ۱۱

عمومی جهانی با مسائل جنبش کارگری ایران، منتشر می‌کنیم. علاوه بر آن، آخرین دستاوردهای جنبش جهانی سندیکایی را جهت اطلاع هموطنان ما به فارسی منتشر می‌کنیم. به عنوان نمونه طی ۶ ماهه اخیر، سه جزوه به زبان فارسی انتشار داده‌ایم:
۱- سیزدهمین کنفرانس فدراسیون سندیکایی جهانی در دمشق (نوامبر ۱۹۴۶)، تاریخ یکصد سال مبارزه اتحادیه عمومی کار فرانسه (C. G. T.) صدسالگی C. G. T. و چهل و پنجمین کنفرانس آن در (دسامبر ۱۹۹۵).
کار: کمیسیون ارتباطات، در رابطه با احزاب و سازمانهای سیاسی، از چه موازینی پیروی می‌کند؟
نظری: مهمترین اصل ساختاری مورد تاکید ما مستقل بودن این نهاد

عضویت «خانه کارگر» شد. به اعتقاد من، هدف «خانه کارگر» نه پذیرش دستاوردهای جهانی سندیکایی و اجرای ضوابط دموکراتیک آن بلکه، مشروعیت بخشیدن به موجودیت شوراهای اسلامی کار در عرصه بین‌المللی و تلاش برای تحمیل الگوی خود در مقیاس منطقه‌ای است. علاوه بر آن «خانه کارگر» می‌کوشد، همچنانکه در داخل مانع فعالیت سندیکاهای مستقل شده است، از فعالیت کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران در عرصه بین‌المللی نیز جلوگیری کند.
کار: آقای نظری، کمیسیون ارتباطات سندیکایی در عرصه مطبوعاتی چه فعالیت‌هایی دارد؟
نظری: ما فصلنامه «اتحاد» را به زبان فرانسه جهت آشنایی افکار

بیانیه توضیحی نهضت آزادی در رابطه با انتخابات مجلس

نهضت آزادی ایران طی بیانیه‌ای علل تصمیم این سازمان برای شرکت در انتخابات و سپس انصراف از آن را به تفصیل و در طی یک بیانیه طولانی اعلام نمود. در این بیانیه آمده است: جنگ دوم خلیج فارس و طرح ادعاهای واهی امارات عربی متحده در مورد مالکیت سه جزیره ایرانی در خلیج فارس و تجمع روزافزون تجهیزات و تدارکات نظامی آمریکا در خلیج فارس، نهضت آزادی ایران با بررسی شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورمان به این جمع‌بندی رسید که بجرانها رو به فزونی است و خطرات جدی تمامیت ارضی کشور و حیات ملی ما را تهدید می‌کند.

نهضت آزادی ایران با توجه به این خطرات و حساس بودن اوضاع عمومی، راه حل اولیه و اساسی برای مقابله با چنین خطراتی را تقلیل نقش‌های داخلی تشخیص داد و حل بحران سیاسی را شرط اصلی و اجتناب‌ناپذیر هر نوع راه حلی اعلام نمود و به همین منظور مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی از طریق فعالیت انتخاباتی را مورد توجه قرار داد. به دنبال بحث‌ها و تلاش‌هایی که در این راه توسط نهضت آزادی و سایر گروه‌های سیاسی و شخصیت‌های مستقل ملی و ملی - مذهبی صورت گرفت، توافقی کلی و اصولی بدست آمد و در نهایت به تشکیل «تلاشگران تأمین آزادی انتخابات» منجر گردید.

در اعلامیه‌هایی که در این دوران منتشر گردید به دو مسأله اساسی توجه مبرم شده بود. اول این که شرط سالم و آزاد بودن انتخابات تحقق و تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی ملت که در فصل سوم قانون اساسی تصریح شده است، می‌باشد. دوم اینکه به دلیل حساس بودن اوضاع مملکت و خطرات تهدیدکننده، مردم نباید نسبت به سرنوشت خود بی‌تفاوت باشند، بلکه می‌بایستی از طریق مشارکت در انتخابات، حقوق خود را مطالبه کنند و در صورت تحقق شرایط ضروری در یک انتخابات سالم و آزاد کسانی را که شایستگی نمایندگی ملت را دارند و

قادر به حل بحرانهای کنونی می‌باشند انتخاب نمایند.

در ادامه اطلاعیه به تفصیل روند کاندید شدن نمایندگان نهضت آزادی شرط شورای نگهبان مبنی بر آنکه آنها باید اعلام نمایند به ولایت مطلقه فقیه معتقدند، عدم پذیرش این شرط از جانب آنها و حذف اکثریت تبلیغات این سازمان که در نهایت منجر به تصمیم نهضت آزادی به امتناع از شرکت در انتخابات گردید طرح شده است و در ادامه آمده است:

پس از رتار حاکمیت با نهضت آزادی ایران در مجموع به نفع نهضت آزادی ایران و جنبش مردم‌سالاری و آزادخواهی تمام شد. انتظار عمومی و وجدان بیدار جامعه دید و قضاوت کرد که نهضت آزادی، با وجود تمامی فشارها و شرایط نامساعد، برای ایفای وظیفه خود در برابر ملت از هر نوع خطری استقبال می‌کند و آن جناحی از حکومت هستند که به شدت از ورود مخالفان به مجلس نگرانند و آنها را پس می‌زنند.

حرکت نهضت آزادی ایران جناحی مختلف حاکمیت را در بوته یک آزمون سیاسی جدی قرار داد. مخالفت با مشارکت نیروهای مستقل ملی در انتخابات در مجموع به ضرر متولیان حکومت و انتخابات تمام شد و نشان داد که حاکمیت، یا حداقل برخی از نیروهای درون آن، در برخورد با مخالفان حتی نمی‌تواند منافع بلند مدت خود را نیز به درستی تشخیص دهند و آن چنان بی‌مطالعه عمل می‌کنند که بهتر و بیشتر از هر دشمنی به اعتبار خود لطمه وارد می‌سازند.

قصد اصلی نهضت آزادی ایران از ورود به صحنه انتخابات صرفاً رفتن به مجلس شورای اسلامی نبود، بلکه این امر به منظور استفاده از شرایط سیاسی دوران انتخابات و ایجاد بستر قانونی مناسب برای ادامه مبارزات قانونی در جهت بهبود اوضاع سیاسی کشور، و به تبع آن اوضاع اقتصادی و غیره صورت گرفت.

نهضت آزادی ایران با استراتژی مبارزه قهرآمیز و براندازی نظام

چند ماه قبل آقای عباس کیارستمی نظرات خود را در برخورد با مسأله سانسور در کشور، امکانات تهیه فیلم و شرایط فیلمسازان در ایران، در چند مصاحبه در خارج از کشور مطرح نمود. برخی ایده‌های مطرح شده در این مصاحبه مباحثی برانگیخت و منجر به طرح یک سری انتقادات از نظرات ایشان گردید. منجمه آقای بصیر نصیبی در بهمن ماه سال گذشته در نشریه کیهان لندن به نقد نظرات ایشان پرداخت. وی در مقاله خود جملاتی از مصاحبه آقای کیارستمی را مورد استناد قرار داد که گفته شده بود: «برای من بهترین نوع فیلمسازی این است که مسائل را تا زیر سقف سانسور یعنی تا آنجا که سانسور جمهوری اسلامی اجازه می‌دهد مطرح کنم.»

وی با «من رضایت می‌دهم پنج دقیقه از فیلم را قیچی کنند. چون فیلمساز جهان سوم هستم و مجبورم با سانسور کنار بیایم» و یا «اینجا کشور من است. من آن را دوست دارم، نمی‌خواهم کسانی با استناد به کلیشه چادر به منظور لذت بردن خود از کشورم بد بگویند» و یا «برای من فیلمی که توقیف شود، هیچ جذابیتی ندارد.»

آقای نصیبی در حین ارجح گذاشتن به کار هنری آقای کیارستمی و فیلمهای ایشان، نظرات و برخوردهای وی را که در بالا درج گردید، توجیه روش جمهوری اسلامی و کم بها نشان دادن واقعیت سانسور در ایران دانست. وی این نحوه برخورد را با برخورد آقای بیضایی مقایسه کرد که گفته بود: «من به عنوان مالک معنوی فیلم اجازه نمی‌دهم حتی پس از مرگ یک دندان از فیلم مسافران را حذف کنید.» و روش ایشان را روشی دانست که با پایداری در برابر سانسور و فشار رژیم، بالاخره آنان را وادار به عقب‌نشینی می‌نماید و روش آقای کیارستمی را با رضایت دادن به پنج دقیقه سانسور، روشی دانست که فردا مجبور می‌شود به ده دقیقه سانسور هم رضایت دهد. وی تأکید کرد که مسلماً فیلمهای آقای کیارستمی در خدمت ایده‌نولوژی اسلامی و رژیم جمهوری اسلامی نیست ولی سخنان ایشان که حتی در مورد فیلمهای خود آقای کیارستمی هم

عباس کیارستمی و سانسور در ایران

صادق نیست، و بارها فیلمهای ساخته ایشان نیز دچار سانسور گردیده و مدت‌ها توقیف بوده، به رژیم جمهوری اسلامی کمک می‌کند تا از خورد چهره‌های بزرگ آلود بسازد. وی این سخنان را با گفته‌های آقای بیضایی مقایسه کرد که در نامه به وزارت ارشاد نوشته بود: «تا زمانی که در وطن این شغل بی‌حرمت شده و جایی برای فیلم من ندارد، اجازه نمی‌دهم کسی با نمایش آن در خارج برای خود کسب احترام کند.»

در شماره ۵۹۵ نشریه کیهان لندن، مقاله‌ای به قلم خانم الهه قزاق در پاسخ به مقالاتی که در نقد نظرات آقای کیارستمی طرح گردیده بود، درج گردید.

ایشان مقاله خود را با ذکر مثال از گالیله و جوردانو برونو آغاز کرد و نوشت که روش گالیله و جوردانو برونو، دو دانشمند ایتالیا در برخورد با تنقیح عقاید به مظهر دو شیوه نگرش و عمل روشنفکران در برابر قدرت استبدادی تبدیل گشته و تا به امروز نیز بسیاری به این یا آن روش عمل کرده‌اند. یکی عقیده پنهان ساخت و زنده ماندن، دیگری بر بیان عقیده ماندن و سوختن. چه کسی در طول چهار صد سال گذشته و امروز توانسته یا می‌تواند یکی از این دو را در برابر دیگری قرار دهد و هر یک را به سبب این یا آن روش تأیید یا تکذیب کند، وی در ادامه مقاله خود از افرادی که می‌کوشند در روش برخورد آقای بیضایی و کیارستمی را در برابر هم قرار داده و این دو روش را نافی هم می‌دانند، انتقاد کرده و می‌نویسد این دو روش برخورد مکمل یکدیگر و در هر جامعه استبدادی کاربرد هر دو روش مبارزه با استبداد ضروری است و هر کس بنا به کاراکتر، تشخیص و توان خود راه و روش خود را انتخاب می‌کند، وی نگرشی را که از زاویه سیاسی با اندیشمندان و هنرمندان برخورد کرده و از آنان می‌خواهد همچون احزاب و فعالان سیاسی با مسائل برخورد کنند، رد کرده و می‌نویسد اگر قرار بود در تاریخ ایران همه به همان گونه که برخی می‌اندیشند، عمل کنند و روش

جوردانو برونو را در پیش می‌گرفتند، تمام اندیشمندان و هنرمندان می‌بایست یا لب می‌دوختند و یا می‌سوختند. حال آن که مجموعه هنرمندان و اندیشمندان بسیار بهتر از این توصیه‌ها عمل کرده‌اند و گاه این گاه آن روش را در پیش گرفته‌اند و بهتر است این متد را که همه را به اتخاذ یک روش فرا می‌خوانیم، کنار بگذاریم و خود صحیح می‌دانیم، کنار بگذاریم در جامعه متدهای متفاوتی در مبارزه با استبداد وجود دارد و اجازه دهیم که هر کس خود روش مناسب خود را انتخاب کند. تنها وجود هر دو روش فوق‌الذکر به موازات هم امکان طرح نظرات اندیشمندان و پس زدن استبداد در تاریخ وجود داشته و هم امروز وجود دارد.

در ادامه این مباحث، آقای نادر بککش در مقاله‌ای در شماره اخیر کیهان لندن به پاسخگویی به مقاله خانم بقرات پرداخت. در این مقاله آمده است که، مسبای روش درست در برخورد به هنر و هنرمند، جدا کردن آنهاست. نمی‌توان مثلاً به اعتبار این که کیارستمی سینماگر خوبی است، هر نظری را از جانب او پذیرفت و یا به دلیل آن که بیضایی جسورانه و درست در باب فلان مقوله حرف می‌زند یا فیلمهای بد (احتمالی او) مسامحه کرد. وی می‌نویسد، آن چه کیارستمی می‌گوید و می‌کند دفاع از سانسور است و بنابراین در همان حوزه فعالیت‌های هنری، کار محدود کنندگان آزادی را تسهیل می‌کند. وی از خانم بقرات انتقاد می‌کند که ایشان از داوری در برابر روش‌های مختلف می‌گریزند و تنها با بیان این واقعیت که روش‌های مختلف وجود دارد، همه را تأیید می‌کنند. در ادامه مقاله می‌نویسد: هر کس آزاد است که شیوه برخوردی که می‌خواهد اختیار کند و دیگران هم مجاز و موظفند که در این رابطه قضاوت کنند. آقای کیارستمی هم روش معنی را انتخاب نموده و این روش روشی بزدلانه، خودخواهانه، سازشکار با قدرت و در خدمت شرایطی است که امکانات را خفه می‌کند، هر چند کارهای هنری ایشان با ارزش

توضیح ضرور

در نشریه شماره ۱۲۹، کانون دفاع از دموکراسی در ایران (مالمو) معرفی گردید. متأسفانه در چاپ اصول اعتقادی این تشکل اشتباهات تأییدی وجود داشت که با پوزش از خوانندگان، این اصول را مجدداً منتشر می‌کنیم.

۱- پذیرش حاکمیت و مرجعیت مردم، احترام به آرا و نظر اکثریت با تأمین حقوق اقلیت و انتخاب آزاد مردم در تعیین شکل حکومت و نظام سیاسی جامعه

۲- دفاع از استقلال ملی و تمامیت ارضی در مقابل دخالت دولتهای خارجی در امور داخلی کشور، پیروی از سیاست خارجی مستقل و غیر متعهد و صلح آمیز و روابط برابر حقوق با همه کشورهای دنیا،

۳- پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی، جدایی کامل دین و ایدئولوژی از حکومت، رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقها و ضمامت آن، بویژه حمایت از برابری کامل حقوق زن و مرد و دفاع از آزادیهای فردی و اجتماعی، شامل آزادی مطبوعات، آزادی بیان و عقیده، آزادی در اعتقادات و مراسم مذهبی و باورهای فلسفی، آزادی احزاب و سندیکاها و سایر آزادیهای دموکراتیک

۴- عدم تمرکز قدرت اداری و سیاسی جامعه از جمله به منظور تأمین خواستها و حقوق ویژه اقلیت‌های قومی و ملی

نتیجه این وضع این شده است که رژیم آخوندی هفده سال است بر سر کار مانده است، در حالی که می‌بایست و می‌توانست در همان سالهای اول از میدان به در رانده شده باشد. برای توجیه این خلاء فاجعه‌انگیز رهبری، پیوسته از جانب شهریار رضا پهلوی ادعا شده است که دست زدن به یک تلاش کارساز مستلزم اتحاد همه گروه‌های اپوزیسیون است، در حالی که گروه‌های اپوزیسیون در سه زمینه هواخواهی از سلطنت مشروطه و لزوم بازستانی حاکمیت ملی و دموکراسی برای ایران فردا هیچوقت اختلاف نداشته‌اند و ندارند، و تاکنون هفده ساله آنها بسیار بیشتر از آن که مربوط به عدم یکپارچگی آنان باشد، زاده خلاء فاجعه‌زای رهبری بوده‌است. ...

پیام دکتر شجاع‌الدین شفا

مشروطیت ایران و سنت سه هزار ساله تاریخی و از برداشت‌های فکری مساعد جامعه ایرانی برخوردار است اعمالی شود، زیرا که در غیر این صورت اصولاً رژیم سلطنت مشروطه جایی در ایران فردا نخواهد داشت، در صورتی که بقای حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و هویت فرهنگی ما بقای چنین رژیمی را ایجاب می‌کند.

در هفده ساله گذشته شهریار رضا پهلوی نه مطلقاً خود چنین مدیریتی را اعمال کرده است، نه با حضور تشریفاتی خود در صحنه امکان آن را داده است که هیچ جنبش دیگری در خط مشروطیت پادشاهی نضج بگیرد.

شرایط انسانی و سیاسی، مادی و معنوی به مراتب بیشتر از آن چه در این مدت برای بسیاری از دیگر سازمانهای مشابه در جهان وجود داشته است در جامعه برون‌مرزی ایرانی وجود دارد، به استثنای یک عامل که مطلقاً وجود نداشته است و امروز هم ندارد، و آن مدیریت است. چنین مدیریتی، با توجه بدین واقعیت که اکثریت قریب به اتفاق ناسیونالیست‌های برون‌مرزی و درون‌مرزی ما هوادار پادشاهی مشروطه‌اند، در بهترین صورت آن می‌باید از طرف دستگاه سلطنت که از مشروعیت ناشی از قانون اساسی

دکتر شفا به عنوان یکی از سخنگویان اصلی جناح افراطی سلطنت طلبان که نیروهای اپوزیسیون را محدود به نیروهای سلطنت طلب می‌دانند، در توضیحی در نشریه شماره ۳۶۰ نیروز اعلام نمود که ایشان در اجلاس سلطنت طلبان در واشنگتن شرکت نمود و در پیامی که برای این اجلاس ارسال نمود، دلایلی خود را بیان نموده است. در این پیام آمده است:

«عقیده راسخ من در همه هفده ساله گذشته این بوده است که شرط اصلی مبارزه برای بازیابی حاکمیت ملی، وجود یک نیروی جانشین ناسیونالیست فعال و مصمم شناخته شده در جامعه برون‌مرزی است که بتواند پایگاه اصلی فعالیت‌های درون‌مرزی نیز قرار گیرد. برای وجود چنین نیروی جانشینی تمام

<p>فرم درخواست اشتراک "کار"</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/> شماره اشتراک: ()</p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یک سال <input type="checkbox"/></p> <p>نام: _____ تاریخ: _____</p> <p>آدرس: Name: _____ Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست کنید!</p>		<p>بهای اشتراک "کار"</p> <p>اروپا: _____</p> <p>شش ماه - ۴۵ مارک</p> <p>یک سال - ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها: _____</p> <p>شش ماه - ۵۲ مارک</p> <p>یک سال - ۱۰۴ مارک</p> <p>GER.....3 DM</p>	<p>"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p> <p>Verleger: I.G.e.v</p> <p>I.G.e.v</p> <p>Postfach 260268</p> <p>50515 Koeln</p> <p>Germany</p> <p>دارنده حساب: I.G.e.v</p> <p>شماره حساب: 22442032</p> <p>کد بانک: 37050198</p> <p>Stadtparkasse Koeln</p> <p>Germany</p> <p>شماره فاکس: 0049 - 221 - 3318290</p>
--	--	---	---

دهمین سال چرنوبیل ایران به انرژی اتمی نیاز ندارد

ندارد. «گرین پیس» تاکنون ۱۵۰۰ مورد اختلال در نیروگاهها را گزارش کرده است که مهمترین آنها بدین قرارند: ۱۹۷۸ - بیلوبارسک در اورال. توربین نیروگاه اتمی سقوط کرد و موجب آتش سوزی شد، حداقل ۸ تن از کارگران در معرض تشعشع قرار گرفتند. ۱۹۹۲ - در سنت پترزبورگ روسیه، کانال خنک کننده به دلیل گرمای بیش از حد ترکید. ۱۹۹۳ - در نیروگاه اتمی «فرمین - ۲» در آمریکا توربینها به دلیل آتش سوزی از بین رفتند. ۱۹۹۵ - در نیروگاه «مون جو» ژاپن «ناتریم» در محوطه نیروگاه اتمی جاری شد. از وقوع انفجار در آخرین لحظات ممانعت به عمل آمد.

انرژی خورشیدی آلترناتیو انرژی

تمام این حوادث نشان می دهد که هنوز ایمنی نیروگاههای اتمی در هیچ کشوری قابل تضمین نیست. علیرغم آن هنوز هزینه های سنگین برای ساختن، نگهداری یا تخریب این نیروگاهها صرف می شود. اگر فقط بخشی از این هزینه ها مصرف تحقیق و کاربرد انرژی خورشیدی شود، بشریت گامهای بلندی در دسترسی وسیع به این انرژی بر خواهد داشت و عصر ما به «عصر انرژی خورشیدی» تبدیل خواهد شد.

اکنون در کشورهای صنعتی به خاطر ابعاد عظیم فاجعه احتمالی، یکی از وابستگان سفارت ادعا می کند وی اصولاً در زندان نبوده است. خانم طبری می گوید: «من نمی خواهم با این رژیم سروکاری داشته باشم. مراجعه به کنسولگری هم کاری بیهوده است. هر پنهاندهایرانی که خواهان ترک تابعیت باشد، باید شخصاً به کنسولگریهای جمهوری اسلامی مراجعه کند و با توجه به اینکه هر دولتی در قلمرو نمایندگی های خود بیشترین اختیارات را دارا هستند، این پنهاندها در معرض خطر قرار دارند. سوری ۴۴ ساله، عضو اتحادیه پنهاندهای ایرانی در برلین می گوید: «چه کسی از جان ما حفاظت می کند وقتی در قلمرو آنها هستیم؟»

با قرارداد کهنه شده ۱۹۲۹ حدود صد هزار ایرانی که در آلمان زندگی می کنند، در مقایسه با دیگر خارجیان مورد تبعیض قرار دارند. مهاجرین خارجی دیگر پس از ۱۵ سال اقامت به صورت مجرد و یا پس از ۸ سال ازدواج با یک آلمانی، این حق را دارند که برای دریافت تابعیت آلمانی اقدام نمایند.

از آنجائیکه داشتن تابعیت دوگانه قانوناً در آلمان مورد پذیرش نیست، خارجی ها در صورت پذیرش تابعیت آلمان باید پاسپورت قدیمی خود را تحویل دهند. اما اغلب کشورهای دیگر در این زمینه مشکلی برای شهروندان (مقتضای ترک تابعیت) ایجاد نمی کنند و در صورت ضرورت ادارات مربوط به خارجی های آلمان با تابعیت دوگانه فرد موافقت می کنند.

وزیر کشور آلمان می تواند با مراجعه به قانون تابعیت و صرف نظر از قبول مسئولین سفارت، با علم به اینکه مقتضای تلاش خود را کرده اما به هیچ نتیجه ای نرسیده اند، راه را برایشان آسان کند. اما مانعاً کانتور وزیر کشور نیز مسئولین قبلی با در نظر گرفتن اینکه شریک مهم تجاری ما ایران نباید خشمگین شود، عمل کرده اند.

آلمانی سومی می کند از کانالهای دیپلماتیک این مقررته که دولت آلمان این مقررات را از نظر عدم انطباق با شرایط کنونی به رسمیت نشناسد. وی سپس اعلام کرد: «فقط یک راه وجود دارد و آنهم لغو فوری این قرارداد آزار دهنده. «کهنه شده را لغو کند. سفر سابق آلمان در تهران «رایونل اشکت» در ماه مه سال گذشته به دولت ایران پیشنهاد کرد بخش دست و پاگیر این قانون بردارند، اما تاکنون موفقیتی حاصل نگردیده است. «امکه دیرت شویر» از طرف نمایندگان سیزدهای آلمان توضیح داد برای آزادی پدرش تلاش کرده اند.

یک خانم ایرانی دیگر «روشنک طبری» ۳۳ ساله است که خود را به عنوان زنی که به اجبار تابع ایران است، احساس می کند. او دختر یکی از منتقدین رژیم اسلامی است که در سال ۱۹۸۹ در زندان اوین گرفتار شد. با یک مرد آلمانی ازدواج کرده و هفت سال است که برای ترک تابعیت خود تقاضای آلمان می کند. او چندین بار ناگزیر به شرکت در گفتگوهای اعصاب خردکن ایدتولوژیک - سیاسی با سرکنسولگری جمهوری اسلامی بوده است. با وجودی که ارگانهای دفاع از حقوق بشر مثل عفو بین الملل سالها برای آزادی پدرش تلاش کرده اند،

ده سال از انفجار راکتور اتمی چرنوبیل گذشت. در ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ در اوکراین، راکتور اتمی چرنوبیل بلوک ۴ در اثر انفجار از کار افتاد. منابع رسمی تعداد کشته شدگان را ۳۰ نفر اعلام کرد. منابع غیر رسمی آمار کشته شدگان را تا هزاران نفر تخمین می زنند. اولین کشته شدگان کسانی بودند که به منظور کنترل حریق به محل شتافتند و در معرض مستقیم تشعشع قرار گرفتند. ابری از مواد رادیواکتیو بر بالای چرنوبیل قرار گرفت و زمین، جنگل، مناطق مسکونی و محل بازی کودکان را آلوده ساخت. چهار صد هزار نفر مجبور به ترک مناطق مسکونی خود شدند. هنوز بعد از گذشت ۱۰ سال آمار روشنی از تعداد کشته شدگان، موارد سرطان، تعداد کسانی که مورد تشعشع قرار گرفتند و مقدار مواد آزاد شده حاصل از تشعشع در دست نیست. در موارد مورد تشعشع بسیاری از کودکان با اختلالات ژنتیکی به دنیا می آیند یا مبتلا به سرطان می شوند که ناشی از تأثیرات تشعشع می باشد. عمق فاجعه زمانی روشن می شود که بدانیم مواد آزاد شده تا ۲۰ هزار سال دیگر تشعشع خواهند کرد و این در حالی است که از عصر یخبندان ۱۰ هزار سال می گذرد.

وقایعی که تاکنون در راکتورهای اتمی اتفاق افتاده است.

به دلیل سیاست های مختلف کشورها در درج اینونه اخبار، امکان ارائه آمار دقیقی از این دست وجود



بر اساس آمار مجله علمی «Nature» در مناطق تشعشع زده چرنوبیل اختلالات ژنتیکی در کودکان دو برابر دیگر مناطق است.

گسترش نیروگاههای هسته ای تا حد زیادی منفی و مسأله نحوه ادامه کار نیروگاههای کنونی مورد بحث جدی است. نامنی کلی نیروگاههای اتمی یکی از دلایلی است که می توانیم قاطعانه بگوئیم ایران به انرژی اتمی نیاز ندارد.

مصاحبه "کار" با ...

بقیه از صفحه ۸

ارتباط و همکاری دارد؟
مثلاً با نشریه «کارگر تجدیدی» که توسط «انجمن کارگران پنهانده و مهاجر ایرانی» در انگلستان چاپ می شود، شما ارتباط دارید؟
نظری: متأسفانه، نه. ما از تشکیل نهادها و انتشار نشریات سندیکایی توسط فعالین سندیکایی ایران در خارج از کشور، خوشحالیم. در عین حال از پراکندگی فعالیتها و عدم ارتباط این انجمنها با یکدیگر متأسفیم. تردیدی نیست که دشورای انتشار منظم یک نشریه جدی و تضمین ادامه کاری آن در شرایط مهاجرت، یکی از موانع جدی این ارتباط است. نکته دیگر اینکه بسیاری از تلاشهایی که توسط این انجمنها صورت گرفته و می گیرد - از جمله فعالیت های کمیسیون ارتباطات سندیکایی بندرت در مطبوعات مترقی و چپ ایرانی در خارج کشور - بازتاب نیز آنرا در مطبوعات راستای تنظیم منافع شوروی تفسیر کرد و با این تفسیر، به جاذبه و اعتبار انترناسیونالیسم به عنوان یکی از وجوه اصلی

مشخصه صورت جنبش کارگری لطمه زد. ضرورت احیای همبستگی جهانی جنبش کارگری قدر مسلم آن است که در ۲۰ سال اخیر، روند بین المللی شدن و فراملیتی شدن سرمایه به سرعت پیش رفته و به وابستگی متقابل اقتصادهای ملی کشورها دامنه زده است. در مقابل، جنبش کارگری نتوانسته است پاسخ صابریا و قادری در سال ۱۳۶۹ از کوموله جدا شده و قصد خروج از کشور را داشتند که گرفتار شدند. حکم اعدام آنان در همان روزهای اول صادر شد. تنها در سایه تلاشهای بین المللی از جمله همی سازمان عفو بین الملل بود که اجرای حکم اعدام آنان به تعویق افتاد.

بقیه از صفحه اول
عضو کوموله بود. وی از فرماندهان نظامی برجسته کوموله در مناطقی از کردستان به شمار می رفت. مصطفی قادری ۳۲ ساله بود. او در مهاباد چشم به جهان گشوده بود. در سال ۱۳۶۱ به کوموله پیوست و سپس عضو کوموله و از فرماندهان آن شد. صابریا و قادری در سال ۱۳۶۹ از کوموله جدا شده و قصد خروج از کشور را داشتند که گرفتار شدند. حکم اعدام آنان در همان روزهای اول صادر شد. تنها در سایه تلاشهای بین المللی از جمله همی سازمان عفو بین الملل بود که اجرای حکم اعدام آنان به تعویق افتاد.

دو دایف کشته شد

بنا بر گزارش خیرگزاری ایستار تاس روز یکشنبه ۲۱ آوریل دو دایف بر اثر حملات موشکی ارتش روسیه در روستایی در ۳۰ کیلومتری گرونی کشته شد. این خبر از طرف چچن مورد تأیید قرار گرفت و مسکو را به تروریسم دولتی متهم کرد. معاون دو دایف زلیم خان جانداریف وظایف او را به عهده گرفت و ۳ روز اعلام عزای عمومی کرد. گفته می شود که ماهواره های غربی رد دو دایف را که با تلفن موبیل سرگرم گفتگو بود پیدا کرده و آن را به اطلاع ارتش روسیه رسانده و ارتش روسیه منطقه را زیر آتش موشک گرفته که دو دایف در این حمله کشته گردید.

دو دایف در ۱۹۹۱ بعد از سقوط رئیس جمهور وقت در طی انتخاباتی که هیچوقت مورد تأیید مسکو قرار نگرفت، رئیس جمهور چچن شد و خواستار استقلال چچن از روسیه

گشت. در دسامبر ۹۴ ارتش روسیه به چچن حمله کرد و روستا به روستا در موجی از کشتار و آتش هدف سرکوب جدایی طلبان را پیش گرفت. حملات ارتش روسیه و بمبارانها در درجه اول مردم چچن را مورد هدف قرار می دهد و بسیاری از آنها از محل زندگی خود آواره گشته اند. سرکوب مردم چچن موجی از اعتراض را در روسیه نیز برانگیخته است.

یلتسین در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری قول داده است که تا زمان انتخابات از چچن نیروهای خود را بیرون بکشد ولی همزمان بمباران مناطق مسکونی چچن را شدت داده است. عملیات سرکوبگرانه روسیه در چچن در غرب به سکوت برگزار می شود و آن را مسئله داخلی روسیه تلقی می کنند.

همبستگی جهانی ...

بقیه از صفحه ۸
دو سده اخیر، هیچ جنبشی مانند جنبش کارگری، مدافع همبستگی بین المللی نبوده است. با این حال، انترناسیونالیسم جنبش کارگری در قیاس با دوران آغاز این جنبش، تضعیف شده است. به لحاظ تاریخی، می توان این روند را بدون اینکه بخواهیم آن را توجیه کنیم، توضیح داد: در حالی که تا قبل از جنگ جهانی اول، هم جناح انقلابی و هم جناح رفرمیست جنبش کارگری، به طور یکسان به همبستگی بین المللی برای پیشبرد اهداف خود نیاز داشتند، با انشعاب تاریخی این جنبش در جریان جنگ جهانی اول، دو سرخورد به انترناسیونالیسم شکل گرفت که هیچ یک در خدمت تقویت همبستگی بین المللی نبود: رفرمیست ها، مبارزه خود را به چارچوب دولت های ملی محدود کردند و همبستگی بین المللی را به فراموشی سپردند. انترناسیونال سوسیالیستی، به عنوان نمونه در دهه هفتاد، در حالی که جنبش های رهایی بخش جهان سوم، بعضاً با مشارکت احزاب عضو همین انترناسیونال اوج گرفته بودند، این جنبش ها را در مبارزه با امپریالیسم و استعمار نو تنها گذاشت (و برای این جنبش ها راهی جز روی آوردن به حمایت شوروی نماند). در مقابل، بخشی از جناح انقلابی جنبش کارگری نیز انترناسیونالیسم را تنها راستای تنظیم منافع شوروی تفسیر کرد و با این تفسیر، به جاذبه و اعتبار انترناسیونالیسم به عنوان یکی از وجوه اصلی

مشخصه صورت جنبش کارگری لطمه زد. ضرورت احیای همبستگی جهانی جنبش کارگری قدر مسلم آن است که در ۲۰ سال اخیر، روند بین المللی شدن و فراملیتی شدن سرمایه به سرعت پیش رفته و به وابستگی متقابل اقتصادهای ملی کشورها دامنه زده است. در مقابل، جنبش کارگری نتوانسته است پاسخ صابریا و قادری در سال ۱۳۶۹ از کوموله جدا شده و قصد خروج از کشور را داشتند که گرفتار شدند. حکم اعدام آنان در همان روزهای اول صادر شد. تنها در سایه تلاشهای بین المللی از جمله همی سازمان عفو بین الملل بود که اجرای حکم اعدام آنان به تعویق افتاد.

بقیه از صفحه اول
عضو کوموله بود. وی از فرماندهان نظامی برجسته کوموله در مناطقی از کردستان به شمار می رفت. مصطفی قادری ۳۲ ساله بود. او در مهاباد چشم به جهان گشوده بود. در سال ۱۳۶۱ به کوموله پیوست و سپس عضو کوموله و از فرماندهان آن شد. صابریا و قادری در سال ۱۳۶۹ از کوموله جدا شده و قصد خروج از کشور را داشتند که گرفتار شدند. حکم اعدام آنان در همان روزهای اول صادر شد. تنها در سایه تلاشهای بین المللی از جمله همی سازمان عفو بین الملل بود که اجرای حکم اعدام آنان به تعویق افتاد.

اعدام دو زندانی سیاسی در ایران

تا این که سحرگاه روز ۲۲ فروردین ماه این دو مبارز آماج گلوله های کینه تار یک اندیشان حاکم بر میهن مان شدند. کالبدهای بی جان این جان بازان تنها به این شرط به خانواده هاشان داده شد که در ارومیه به خاک سپرده شوند و به زادگاه هاشان برده نشوند. به علاوه خانواده های تیرباران شدگان از اعلام خبر اعدام و برگزاری مراسم برای آنان بازداشته شده اند. مسا متأثر از جان باختن سلیم صابریا و مصطفی قادری کشتن آن ها توسط رژیم جلاهدرور اسلامی را محکوم می کنیم.

کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل در آفریقای جنوبی

کنفرانس جهانی تجارت و توسعه اولین بار در سال ۱۹۶۴ تشکیل شد. مهمترین وظیفه این کنفرانس در آن زمان نمایندگی کشورهای تازه استقلال یافته بود. در دهه هفتاد این سازمان وظیفه خود را برقراری نظم اقتصادی نوین قرار داد که هسته آن ثابت نگه داشتن قیمت کالاهای اصلی صادراتی کشورهای در حال توسعه و از این راه تثبیت اقتصادی این کشورها بود. دهه هشتاد سالهای عقب نشینی از تثبیت قیمت کالاهای صادراتی در مقابل کشورهای صنعتی بود. در دهه ۹۰ به دلیل تاسیس سازمان جهانی تجارت سازمان ملل، سازمان تجارت توسعه امکان تبدیل خود به یک سازمان تأثیرگذار در روند تجارت جهانی را از دست داد. تنها دستاورد این سازمان در این مدت این بود که صادرات کشورهای کم توسعه به کشورهای صنعتی از امتیازات گمرکی ویژه بهره گیرد. از دیگر نکات برنامه این سازمان در مورد سرمایه گذاری در کشورهای در حال توسعه و پیوندهای چندگانه در بین کشورهای جنوب هنوز به نتیجه نرسیده است.

نهمین کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تجارت و توسعه در مسیروند ژوهانسبورگ پایتخت آفریقای جنوبی با شرکت ۱۸۸ نماینده آغاز شد و تا ۱۱ ماه مه به کار خود ادامه خواهد داد. موضوعات مورد بحث این کنفرانس جهانی شدن و لیبرالیزه شدن بازار می باشد. مرکز این بحث ها در مورد ۲ میلیارد انسان ساکن کشورهای کم توسعه می باشد که اکثر آنها در آفریقا ساکنند. اینکه چگونه کشورهای فقیر و در حال توسعه از جهانی شدن اقتصاد بهره گیرند و نظم جدید جهانی را به نفع خود استفاده کنند، جزو بحث های اصلی این کنفرانس می باشد که انتظار می رود که کلاً با بحث ساختاری علت و مفهوم وجود کلیت این تشکیلات همراه باشد. پس از سرروپاشی سیستم دابلوکی و تصویب گات و تاسیس سازمان جهانی تجارت «WTO» سازمان ملل، کشورهای صنعتی وجود کنفرانس تجارت و توسعه را غیر ضرور تشخیص دادند. آمریکا مایل است که هرچه سریعتر این سازمان منحل شود.

تظاهرات زنان افغانی علیه گروه های اسلامی

تضعیقات زنان شدند. آنها به نفع استقرار صلح و دموکراسی در افغانستان شعار داده و مخالفت خود را با سرکوب و فشارهای مجاهدین علیه زنان ابراز داشتند. تظاهرات زنان افغانی در شهری برگزار شد که اکثر مجاهدین افغانی در آنجا دارای دفتر و دستک و گروه های مسلح می باشند.

صدها تن از زنان افغانی مقیم پشاور افغانستان روز ۸ اردیبهشت (شنبه گذشته) در سالروز به قدرت رسیدن مجاهدین به دعوت سازمانی به نام «جنبش انقلابی زنان افغانستان» بر علیه گروه های اسلامی درگیر در افغانستان دست به تظاهرات زدند و خواهان رفع محدودیت و

برلوسکونی سیاست همراهی با دولت مرکزی برای کسب امتیازات را به کنار نهاده است و برای تسامحات جدایی طلبانه میدان وسیع تری را فراهم می کند. رهبر لیگ شمال لامبرتو روسی پس از اعلام نتایج انتخابات در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: مردم شمال ایتالیا دوباره تصمیم گرفتند برده رم باشند و این باعث تأسف من است. بیش از ۲۱٪ از اهالی شمال ایتالیا به لیگ شمال رأی دادند. لیگ شمال در مجموع ۱۰٪ آرای انتخاباتی را به دست آورد.

به نظر می رسد که با پیروزی ائتلاف چپ و میانه در انتخابات اخیر به بحران سیاسی ایتالیا که نمود خود را در دولت های متعدد و بی ثبات نشان می دهد، نقطه پایانی گذاشته می شود. صف بندی های سیاسی موجود، موقعیت ایتالیا در جامعه اروپا و شاید دقیق تر نیاز دو طرفه ایتالیا و اروپا به یکدیگر راه دولت باثبات در ایتالیا را فراهم می آورد. ائتلاف چپ و میانه از امکانات بیشتری برای همراهی با روند موجود برخوردار است. در اواسط دهه ۷۰ در زمان نخست وزیری آلدو مورو، برای نخستین بار در تاریخ سیاسی ایتالیا، پس از پایان جنگ جهانی دوم، زمینه های ائتلاف چپ و میانه فراهم بود. در آن سالها تلاش های آلدو مورو نخست وزیر دموکرات مسیحی وقت و اتریکو برلینگوتی رهبر حزب کمونیست ایتالیا برای پی ریزی سیاستی دیگر و ضربه زدن به دسته بندی های فاسد سیاسی با قتل آلدو مورو پایان گرفت. مرگ آلدو مورو را به گردن بریکادای سرخ گذاشتند، ولی در واقع جنگ سرد قربانی دیگری می گرفت.

پیروزی ائتلاف چپ و میانه در انتخابات ایتالیا با استقبال و خوشحالی نیروهای چپ و در سراسر جهان مواجه شد.

پیروزی چپها در انتخابات ایتالیا



کند و هر چه جدی تر به مصاف با بحران سیاسی و اجتماعی ایتالیا برود. پیروزی عضو حزب دموکرات مسیحی و دارای تجربه وزارت در سال ۱۹۷۹ است. او بازنده انتخابات، ائتلاف دست راستی ها یعنی «قطب آزادی» جبهه ای از سه تشکل «ایتالیا به پیش» به رهبری سیلیویو برلوسکونی، «اتحاد ملی» تحت فرمان فینی و دست راستی های حزب دموکرات مسیحی است. «قطب آزادی» و مخصوصاً کانالهای تلویزیونی برلوسکونی که به وی نام «تزار تلویزیونی» نهاده اند، از

برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم، چپها با پیروزی در انتخابات ایتالیا، مسئولیت تشکیل دولت را بر عهده می گیرند.

در انتخابات ایتالیا که در روز ۲۲ آوریل برگزار شد، ائتلاف چپ و میانه که هسته مرکزی آن از حزب سوسیالیسم دموکراتیک (PDS) تشکیل شده است، در انتخابات دو مجلس ایتالیا با اضافه شدن آرای حزب بازسازی کمونیستی اکثریت مطلق آرا را به دست آوردند.

ائتلاف چپ و میانه که زیر نام درخت زیتون کارزار انتخاباتی خود را سازمان داد، ائتلاف وسیعی از ۱۳ جریان سیاسی است. حزب سوسیالیسم دموکراتیک، سبزها، جناح چپ دموکرات مسیحی ها، جنبش ضد مافیا و تکنوکرات های گروه اومبرتو دینی، نخست وزیر ایتالیا پیش از آغاز انتخابات در برابر ائتلاف خطرناک دست راستی ها که با نام «قطب آزادی» فعالیت می کند، ائتلاف خود را بر پا کردند.

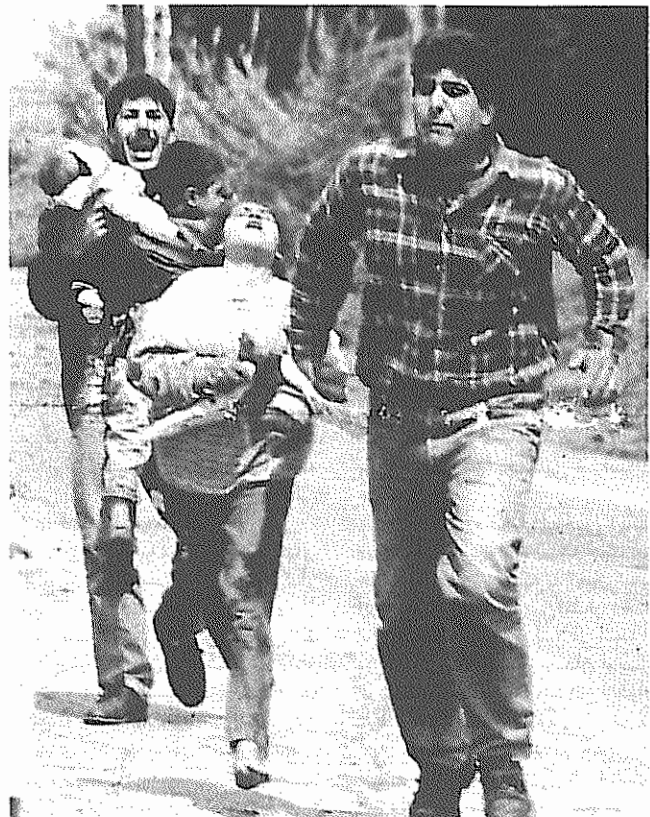
حزب بازسازی کمونیستی که پس از انشقاق در صفوف حزب کمونیست ایتالیا همچنان بر مواضع کمونیستی پایبند است، در انتخابات اخیر در ائتلاف درخت زیتون شرکت نکرد. رهبران حزب بازسازی کمونیستی پیش از انتخابات اعلام کرده بودند، که از ائتلاف درخت زیتون در مقابل دست راستی ها حمایت مشروط خواهند کرد. حزب سوسیالیسم دموکراتیک رسماً خود را حزب سوسیال دموکرات می خواند و چسبندی پیش به انترناسیونال سوسیالیستی پیوست. این حزب قوی ترین جریان سیاسی در بین ائتلاف ۱۳ جریان سیاسی است. کاندیدی ائتلاف درخت زیتون

رومانو پرودی پس از روشن شدن نتایج انتخابات قول داده که در اسرع وقت کابینه پیشنهادی خود را معرفی

یک لحظه از جنایات ارتش اسرائیل در جنوب لبنان

چند ثانیه بعد دیگر آن خانواده وجود نداشت

گزارشی از لبنان «روزنامه تاگس تسایتونگ - آلمان»



خانواده جها هیچ فرصتی نداشت. هلی کوپترهای جنگی اسرائیل ناگهان در آسمان پدیدار شدند. درست بالای سر آمبولانس لبنانی، که در آن پدر، مادر و چهار فرزند ۸ نفره نیز دیده می شدند، وجود نداشت. زینا ۳ ساله توسط راکت از ناحیه سر مجروح شد. پدرش نیز کشته شد. لیلیا ۴ ساله، حسن ۵ ساله و مادرش قاقیتی بعد در بیمارستانی در تیروس درگذشتند. کودک دیگر که ۴ ماهه بود در بیمارستان صیدون درگذشت.

یک سخنگوی ارتش اسرائیل در باره این حادثه می گوید: آمبولانس در خدمت تروریستهای حزب الله قرار دارد، در صورتی که افراد دیگری کشته شدند. آنها توسط حزب الله به عنوان سپر دفاعی استفاده می شدند.

ساعت ۱۴ و سی دقیقه به وقت محلی آمبولانس در راه بود تا آخرین ساکنان کلایله را کوچ دهد، روز پیش این منطقه توسط ارتش اسرائیل بمباران شده بود. خانواده جها و هشت تن دیگر که اتمیل در اختیار نداشتند منتظر کمک از بیرون بودند. وقتی آمبولانس به

تقاطعی که ۵۰ متر با محل محل استقرار نیروهای سازمان ملل فاصله داشت رسید، راکت های اسرائیلی آمبولانس را به دیوار مقابل کوبیدند. بقیه ۸ تن مجروح شدند.

تقاطعی که ۵۰ متر با محل محل استقرار نیروهای سازمان ملل فاصله داشت رسید، راکت های اسرائیلی آمبولانس را به دیوار مقابل کوبیدند. بقیه ۸ تن مجروح شدند.

در پی حملات وحشیانه اسرائیل به لبنان نیم میلیون نفر آواره شدند

آتش بس بین اسرائیل و حزب الله

روز ۲۶ آوریل اعلام شد که اسرائیل و حزب الله لبنان در مورد آتش بس به توافق رسیدند. این توافق که همزمان در اسرائیل توسط وزیر امور خارجه آن کشور و در لبنان توسط رفیق حریری، وزیر امور خارجه لبنان اعلام شد، به میانجیگری کریستوفر، وزیر امور خارجه آمریکا، به انجام رسید. طبق این توافق، دو طرف حق حمله به مناطق غیر نظامی یکدیگر را ندارند. اسرائیل خواستار شد که در صورت حمله حزب الله به «نوار امنیتی» اسرائیل در لبنان یعنی مناطق اشغالی لبنان توسط اسرائیل، اسرائیل حق دارد که به مناطق غیر نظامی حمله برد. این بند ابتدا مورد مخالفت لبنان و سوریه بود که سرانجام به نفع اسرائیل در مورد این بند توافق حاصل شد.

قبل از اعلام این توافق، شورای امنیت در روز ۲۵ آوریل، حمله اسرائیل به مناطق غیر نظامی لبنان را محکوم کرد و از اسرائیل خواست که نیروهای خود را بدون قید و شرط از جنوب لبنان خارج کند. ۶۴ کشور به این قطعنامه رأی مثبت دادند. اسرائیل و آمریکا به آن رأی مخالف دادند. ۶۵ کشور از جمله کشورهای بازار مشترک اروپا، از رأی دادن امتناع کردند.

در طی دو هفته عملیات نظامی اسرائیل و بمباران مناطق غیر نظامی و حمله هلی کوپترهای جنگی، نیم میلیون لبنانی آواره شدند، آنها که ساکنین چهل شهر واقع در جنوب لبنان هستند در پی اوتیما توم های اسرائیل و به دنبال آن بمبارانها، مجبور به فرار از محل مسکونی خود شدند.

تنها در روز ۱۸ آوریل به دنبال حمله هلی کوپترهای جنگی اسرائیل به قانا، ۱۰۱ تن کشته و ۱۵۰ تن مجروح شدند. دهکده قانا که تحت نظر نیروهای سازمان ملل می باشد، پناهگاه هزاران آوارهای قرار گرفته بود که از وحشت بمبارانها و تصور امن بودن این منطقه، به آنجا گریخته بودند. عملیات اسرائیل در این دهکده خشم و نفرت جهانی را برانگیخت.

اردوگاه آوارگان و آمبولانس های لبنان از جمله جاهایی بودند که اسرائیل هدفمند به آن حمله کرده است و منجر به کشته و زخمی شدن عده ای گردید. بر اثر بمباران نیروگاه برق در شهر بیروت، برق قسمتی از شهر قطع شده است.

به گفته دیپلمات اسرائیلی در واشنگتن ایتمار رابینوویچ، آمریکا به اسرائیل در مورد حمله به لبنان چراغ سبز داد. رادوی اسرائیل از